

مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی
گروه نظرسنجی و افکارسنجی

رصد ماهانه تحولات حوزه رفاه، تامین اجتماعی و سیاستگذاری اجتماعی در سطح ملی (۱)
تحولات آذرماه ۱۳۹۸

عُصیان

معانی اجتماعی اعتراضات معیشتی و پیامدهای احتمالی در حوزه رفاه و سیاستگذاری اجتماعی

آذر ۱۳۹۸

فهرست مطالب

۲	چکیده.....
۵	مقدمه.....
۷	اعتراضات معیشتی تا پیش از دهه ۱۳۹۰: جنبش و مقاومت آرام مردم عادی.....
۹	اعتراضات معیشتی دهه ۹۰: خیزش فرودستان در زمانه بحران‌های ساختاری.....
۱۲	ابربحران بیکاری و ناامیدی از بازار کار.....
۱۶	بحران معیشت در اعتراضات سراسری دی ۹۶ و آبان ۹۸: حمله به دنیای رنگی.....
۱۹	نکاتی کلی درباره بازنمایی رسانه‌ها از اعتراضات آبان‌ماه ۹۸.....
۲۲	رسانه‌ها از نمایی نزدیک‌تر.....
۲۶	بازتاب اعتراضات آبان ماه در رسانه‌های خارج از کشور و فضای مجازی.....
۲۹	نتیجه‌گیری.....
۳۱	پیشنهاد سیاستی.....

چکیده

بسیاری از جامعه‌شناسان و اقتصاددانان در سال‌های اخیر هشدار داده‌اند که روند نابرابری‌ها و شکاف‌های اجتماعی و طبقاتی در ایران امروز به نقطه‌ای رسیده که می‌تواند منجر به بحران‌های سیاسی و امنیتی شود. در آغاز دهه هشتاد، ۸۷/۹ درصد پاسخگویان در پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان معتقد بودند که نابرابری بین ثروتمندان و تهی‌دستان نسبت به قبل افزایش داشته و ۵۷ درصد آن‌ها نیز منشا فقر و تنگ‌دستی در کشور را «بی‌عدالتی در جامعه» می‌دانستند.^۱ در سال ۱۳۹۴ نیز حدود ۸۰/۶ درصد پاسخگویان به یک پیمایش در استان تهران بر این باور بودند که فاصله ثروتمندان و فقیران نسبت به پنج سال قبل بیش‌تر شده است.^۲

«بی‌عدالتی» و «نابرابری» مفهوم مرکزی گزارش دوم وضعیت اجتماعی ایران (۱۳۹۶-۱۳۸۸) نیز بوده است؛^۳ گزارشی که بازه زمانی حدوداً ده ساله را دربرگرفته و توسط تعدادی قابل توجه از جامعه‌شناسان و اقتصاددانان ارائه شده است. سازوکارهای تولید فقر و نابرابری در ایران که چندین دهه در جریان بوده، در سال‌های پایانی دهه ۱۳۹۰ جامعه را در وضعیت حادی قرار داده که تا پیش از این سابقه نداشته است.^۴

در شرایط نابرابر، بخش‌هایی از جامعه صدایی بلندتر و دسترسی گسترده دارند و به همین دلیل می‌توانند منابع بیشتری جذب کنند. در مقابل، گروه‌هایی که صدای ضعیف‌تری دارند، از امکان‌های کم‌تری برای رساندن صدای خود برخوردارند. چنین است که این گروه‌ها معمولاً برای اثرگذاری در زمینه سیاست‌های کلان نقشی ناچیز دارند و این مسئله موقعیت نابرابر آن‌ها را تشدید می‌کند. با تشدید نابرابری، سهم اکثریت نحیف و ناچیز می‌شود و با نحیف و ناچیز شدن امکان زندگی عادی و گاه حتی حداقلی از انبوه مردم سلب می‌شود و در این نقطه است که اعتراضات معیشتی و اقتصادی آنها یکی پس از دیگری سرباز می‌کند.

از سوی دیگر، یکی از اهداف کانونی انقلاب، مفهوم «عدالت اجتماعی» یا به تعبیری قسط و عدل بود که هم در قالب شعارهای انقلابیون و صحبت‌های رهبران انقلاب و هم در قالب قانون اساسی بر آن تأکید می‌شد. به‌طور کلی قانون اساسی تأکید زیادی بر برابری و رفاه اجتماعی دارد.^۵ امروز اما چهار دهه از عمر انقلاب می‌گذرد و وضعیت توزیع درآمد به سطوح نابرابر بسیار خطرناک و نگران‌کننده‌ای رسیده است. در کنار این مسئله، می‌توان از مسائل خطیر دیگری هم نام برد و اگر این مسائل در قالب یک کلان

۱. محسن گودرزی، پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ موج دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲.

۲. محمدرضا جوادی‌یگانه، پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ موج سوم (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۴).

۳. دومین گزارش وضعیت اجتماعی ایران (۱۳۹۶-۱۳۸۸)، تهران: آگاه، ۱۳۹۷.

۴. برای بررسی مفصل اقتصاد سیاسی ایران در سه دهه اخیر نک. سهراب بهداد و فرهاد نعمانی، «طبقه و کار در ایران»، تهران: آگاه، ۱۳۸۶؛ و پرویز صداقت، «اقتصاد سیاسی نابرابری در ایران» در «آسیب‌های اجتماعی و نابرابری»، تهران: آگاه، ۱۳۹۷.

۵. در قانون اساسی دو راهبرد برای کاهش فقر و نابرابری و بهبود رفاه پیش‌بینی شده. یکی امحای نظام سرمایه‌داری و ایجاد اقتصاد مبتنی بر عدل و قسط و دیگری راهبرد مبتنی بر عدالت توزیعی از طریق توسعه آموزش و بهداشت رایگان و توجه به توسعه روستایی و گسترش نظام تأمین اجتماعی و کمک‌های حمایتی دولت در جهت کاهش فقر و نابرابری. برای بررسی مفصل نک. سعید مدنی، ضرورت مبارزه با پدیده فقر و نابرابری در ایران، تهران: آگاه، ۱۳۹۴؛ و همچنین بهروز هادی‌زنوز، «فقر و نابرابری درآمد در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، تابستان ۱۳۸۴، شماره ۱۷.

تحلیل اجتماعی و اقتصادی و در کنار هم در نظر گرفته شوند، می‌توان تصویر درست‌تری از وضعیت به دست آورد. برخی از مهم‌ترین مسائلی که در سال‌های اخیر بروز و ظهور گسترده‌تری داشته‌اند را می‌توان این‌طور فهرست کرد:

- رشد نابرابری‌های اقتصادی و تشدید فاصله بین گروه‌های اجتماعی فقیر و غنی
- بحران فقر، بیکاری و تورم ساختاری
- رشد حاشیه‌های اجتماعی شامل گروه‌های قومی، تهدستان شهری و روستایی و...
- مشکلات و بحران محیط زیست و تغییر اقلیم
- ناکارآمدی فزاینده نظام آموزش و کالایی شدن روزافزون حوزه‌های آموزش و سلامت
- ناکارایی و پایین بودن بهره‌وری ملی و تضعیف بنیان‌های تولید جامعه
- انتقال جمعیتی و رشد سالخوردگی

اگر این مسائل در قالب یک مجموعه یا روند به هم پیوسته در نظر گرفته شود، به این نتیجه می‌رسیم که امروز جامعه ایران با انبوهی از مشکلات مواجه است که:

۱. در طول زمان متراکم شده‌اند

۲. با ادامه همین روندهای موجود در آینده‌ای نزدیک مجموعه‌ای پیچیده و لاینحل را شکل می‌دهند.

در این وضعیت از یک‌سو «جامعه خود را ناگزیر از واکنش فوری می‌یابد» و از سوی دیگر، «راه‌حل‌های فوری بیش از پیش اثربخشی خود را از دست می‌دهند»^۶

اگرچه واکنش‌های اعتراضی معیشتی یا حتی مقاومت‌های پنهانی جامعه در شکل‌های مختلف در چند دهه اخیر وجود داشته، اما اعتراضات معیشتی مشخصاً در سال‌های اخیر، هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی رشدی چشمگیر داشته است و در واقع مسایل اجتماعی و اقتصادی در طول سال‌ها چنان بر روی هم تلنبار یا متراکم شده‌اند که واکنش‌های شدیدتر و گسترده‌تر جامعه را به همراه داشته‌اند. اعتراضات متعدد و پی‌درپی کارگران، بازنشستگان، معلمان و کشاورزان، علی‌رغم محدودیت‌هایی که همواره برای بروز اعتراضات جمعی وجود داشته، به تنهایی نشانه‌ای است از اینکه اعتراضات معیشتی در دهه ۱۳۹۰ شکل و شمایلی دیگر یافته و به «مرحله جدیدی» وارد شده که به اعتقاد برخی از اقتصاددانان نتیجه «انسداد ساختاری» است.^۷

در این میان دو اعتراض گسترده دی‌ماه ۱۳۹۶ و نیز آبان‌ماه ۱۳۹۸ بیش از پیش ضرورت بازنگری در سیاستگذاری‌های اقتصادی و اجتماعی و انجام اصلاحات ساختاری را نشان می‌دهد. شاید امروز پرسش اصلی رودرروی نظام سیاستگذاری اجتماعی و اقتصادی کشور این باشد که از اعتراضات گسترده معیشتی دی‌ماه ۹۶ چه آموخته‌ایم و به جز اقدامات امنیتی چه اقدامات دیگری انجام داده‌ایم

۶. میرطاهر موسوی، مدیر تدوین دومین گزارش وضعیت اجتماعی ایران، به نقل از مقدمه همبستگی اجتماعی و نابرابری، تهران: ۱۳۹۷، آگاه.

۷. پرویز صداقت، «اقتصاد ایران در انسداد ساختاری»، سایت نقد اقتصاد سیاسی، ۲۰۱۹/۷/۲۳.

تا مانع بروز اعتراضاتی مشابه شویم؟ پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند درک درست‌تری از اعتراضات آبان‌ماه ۹۸ که گسترده‌تر و شدیدتر هم بوده است به دست دهد.

با این حال تقریباً نوعی اجماع میان کارشناسان اقتصادی و اجتماعی وجود دارد که:

۱. دلیل اصلی تمام اعتراضات معیشتی وضعیت اقتصادی ایران و به بیان دقیق‌تر اقتصادسیاسی نابرابری در ایران است.
۲. خاموش شدن مقطعی اعتراضات معیشتی به معنای رفع مسئله نیست بلکه از قضا به معنای عمیق‌تر شدن آن است.
۳. اعتراضات معیشتی وارد مرحله تازه‌ای شده‌اند که به لحاظ گستردگی و سوژه‌های اعتراضات قابل مقایسه با اعتراضات پیش از دهه ۱۳۹۰ نیستند.
۴. استمرار نابرابری و بازتولید نسلی آن از یک‌سو و نرخ بیکاری از سوی دیگر از بحران‌های مهم اجتماعی و اقتصادی ایران هستند که به نقطه خطرناکی نزدیک شده‌اند.
۵. هیچ راه میانبری برای کاهش فوری بیکاری و ایجاد اشتغال گسترده وجود ندارد. دستگاه‌های دولتی در شرایط بحرانی خود را در معرض فشار موقعیت‌هایی می‌یابند که نیاز به اقدام و تصمیمات فوری دارند. شاید اقدامات فوری در کوتاه‌مدت اثرات مقطعی و التیام‌بخش داشته باشد اما در بلندمدت تاثیر خود را از دست می‌دهد.
۶. ایدئولوژی توجیه‌کننده نابرابری تا حد زیادی کارکرد خود از دست داده و جامعه نسبت به آن به شدت حساس شده است.
۷. معیشت بخش‌هایی از جامعه با تهدید جدی روبرو است و نیازمند اقدامات حمایتی گسترده و دامنه‌دار است. بخش مهمی از طبقه متوسط نیز به لحاظ ذهنی نسبت به آینده بدبین است و معیشت‌اش را در خطر می‌بیند.

مقدمه

مایکل والزر معتقد است که مجموعه‌ای از مواهب اجتماعی در جامعه وجود دارد و بی‌عدالتی و نابرابری محصول انحصار در دسترسی به این موهبت‌ها است. والزر استدلال می‌کند که ماموریت اصلی دولت آن است تا با ایجاد نرده‌های نمادین از سیطره یک حوزه بر حوزه دیگر جلوگیری کند. به اعتقاد او بدون مداخله دولت امکان برقراری عدالت حتی در معنای حداقلی آن نیز وجود ندارد.^۸ در ایران امروز ناتوانی دولت از یک‌سو و شکست بازار از سوی دیگر باعث شده تا مواهب اجتماعی به طور پیوسته برای گروه‌های فرودست جامعه دور از دسترس‌تر قرار بگیرد. اقتصادسیاسی کلان کشور در دست کم سه دهه اخیر باعث «کالایی شدن حیات اجتماعی» شده و به تعبیری مسایل اجتماعی را زیر گرفته و در این زمینه از تجربه دیگر کشورها هم کم‌تر بهره گرفته است.^۹

در سوی مقابل، گروه‌های فرودست جامعه نیز همواره تلاشی روزمره و پیگیر برای بهبود وضعیت مسکن و معیشت و کار و درآمد خود داشته‌اند و در این راستا «شبکه‌ای از پیوندهای منفعل و کوتاه‌مدت» نیز بین آنها به وجود آمده است که در شکل همراهی و همگامی موقت با این یا آن نیروی سیاسی، تاسیس تشکلهای مستقل با عمری بیش و کم کوتاه و همچنین مذاکره با دولت‌ها نمود یافته‌اند.^{۱۰} اما در چند سال اخیر و مشخصاً از آغاز دهه ۱۳۹۰ تا امروز، تلاش‌های معیشتی گروه‌های فرودست شکل و شمایل جدیدی به خود گرفته و در آستانه دورانی تازه قرار دارد.

برخی اعتراضات کارگری، نظیر اعتراضات کارگران نیشکر هفت‌تپه و نیز اعتراض‌های معیشتی معلمان امروز سنت و سابقه‌ای برای خود ساخته است و از حالت پیوندهای کوتاه و زودگذر به پیوندهای منسجم و تشکیلاتی در قالب سندیکاها و انجمن‌های صنفی تغییر شکل داده است. این تغییر شکل به روشنی در روند اعتراضات کارگران هفت‌تپه دیده می‌شود. اعتراضات کارگران این کارخانه در میانه سال گذشته به قدری گسترش یافت که سرودی اعتراضی از آنها به سه زبان منتشر شد. در یکی از گزارش‌های تحلیلی موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی که به موضوع رصد رسانه‌های ملی مربوط بود درباره عمق یافتن اعتراضات معیشتی در این کارخانه آمده بود:

«این اولین بار نیست که کارگران هفت‌تپه اعتصاب کرده‌اند و احتمالاً آخرین بار هم نخواهد بود. اما اگر پیش از این‌ها به خواسته‌های کارگران رسیدگی می‌شد امروز دیگر خبری از اجرای سرود اعتراضی نبود. این که کارگران کارخانه‌ای سرودی برای اعتراض‌هایشان می‌سازند از یک‌سو نشان می‌دهد که عمق کمبودها و اعتراض‌هایشان آن‌قدر زیاد شده که حالا خودشان به دنبال روایت خودشان هستند و از سوی دیگر نشان می‌دهد که اعتراضات آنها وارد مرحله جدیدی شده که متمایز از اعتراضات عادی است. اگر در آغاز اعتراضات کارگران هفت‌تپه همانند اعتراضات کارگری دیگر بود، حالا آنها منسجم و سازمان‌یافته‌اند و خواسته‌هایی مشخص دارند»^{۱۱}.

امروز، که کمی بیش از یک‌سال از گزارش فوق می‌گذرد، اعتراضات کارگران هفت‌تپه به عنوان نمادی از اعتراضات معیشتی مطرح است و دامنه آن بعدی چنان گسترده یافته که بر اعتراضات دانشجویی نیز سایه انداخته است. در بخشی از تجمعات دانشجویی که

۸. مایکل والزر، *حوزه‌های عدالت*، ترجمه صالح نجفی، تهران: ۱۳۸۹، ثالث.

۹. رضا امید، «بررسی تاثیرات عوامل اجتماعی بر نابرابری در ایران» در *دومین گزارش وضعیت اجتماعی ایران* (جلد دوم)، تهران: آگاه، ۱۳۹۷.

۱۰. مراد ثقفی، به نقل از مقدمه دبیر مجموعه در *سیاست‌های خیابانی*، تهران: شیرازه: ۱۳۹۱.

۱۱. *موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی*، «معیشت در میانه جنگ اقتصادی»، شهریور ۱۳۹۷.

در ۱۶ آذر امسال در دانشگاه‌های مختلف کشور برگزار شد چه در شعارها و چه در پلاکاردها بارها نام هفت‌تپه و اعتراضات کارگران شنیده و دیده شد (برای مثال شعار «از هفته‌تپه تا تهران/ زحمت‌کشان در زندان» یکی از شعارهایی بود که در چندین دانشگاه کشور سر داده شد^{۱۲}).

نکته قابل تامل این‌که در آبان‌ماه امسال و در روزهایی که نقاط مختلف کشور درگیر اعتراضات گسترده بودند، مدیرعامل شرکت کشت‌و‌صنعت نیشکر هفت‌تپه به دلیل «اعتصاب و تامین نشدن منابع مالی برای پرداخت حقوق کارگران»، تا پایان اعتصابات کارگری تمام بخش‌های کارخانه، به جز حراست، را تعطیل کرد^{۱۳}. اگرچه این اتفاق در میان خبرهای اعتراضات سراسری گم شد اما به عنوان نقطه‌ای مهم در اعتراضات کارگری هفت‌تپه و به‌طور کلی‌تر در اعتراضات کارگری و معیشتی قابل طرح و بررسی جداگانه‌ای است.

بر این اساس و با توجه به گستردگی اعتراضات کارگری و معیشتی در چند سال اخیر (که از میان آنها می‌توان به اعتراضات کارگران نیشکر هفت‌تپه، نورد لوله اهواز، هپکو، آذرآب، فولاد اهواز و همچنین اعتراضات دهقانان اصفهان به بحران آب اشاره کرد)، و از سوی دیگر با توجه به دو اعتراض گسترده و سراسری در دی ۹۶ و آبان ۹۸؛ می‌توان گفت که اعتراضات معیشتی در ایران وارد مرحله تازه‌ای شده که تفاوت‌های عمده‌ای با اعتراض‌هایی نظیر اعتراضات سال ۱۳۸۸ و همچنین اعتراضات معیشتی پیش از دهه ۱۳۹۰ دارد. در این میان تظاهرات‌های پی‌درپی مال‌باختگان موسسات مالی و اعتباری و همچنین تجمعات مختلف بازنشستگان را نیز می‌توان در شمار اعتراضات معیشتی قرار داد.

در این گزارش کوشیده شده تا به واسطه مروری اجمالی بر اعتراضات معیشتی در سال‌های پس از انقلاب نشان داده شود که اعتراضات معیشتی در سال‌های دهه ۱۳۹۰ به لحاظ فرم و محتوا چه تفاوت‌هایی با نمونه‌های مشابه در سال‌های پیش از آن پیدا کرده‌اند. همچنین به این موضوع پرداخته شده که در این دهه سوژه‌های اعتراضی به طور کلی دچار تغییر و تحول شده‌اند و اعتراضات معیشتی بر دیگر اعتراضات سایه انداخته‌اند. این گزارش، بر اساس برخی از مهم‌ترین مطالعات اقتصادی و اجتماعی پیشین، نظرسنجی‌ها و پیمایش‌های ملی، گزارش‌های رسمی مرکز آمار ایران و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بازنمایی رسانه‌ها از اعتراضات معیشتی در سال‌های مختلف و گفتگو با برخی از کارشناسان تدوین شده است. همچنین در جای‌جای گزارش به شعارهای مختلف معترضان ارجاع داده شده تا تحلیلی دقیق‌تر و بی‌واسطه‌تر از اعتراضات به دست داده شود. در مواردی نیز، صحبت‌های برخی از کارگران در اعتراضات کارگری بر اساس فیلم‌های موجود در اینترنت پیاده و با اندکی ویرایش در این گزارش منتشر شده است. با تأکیدی مجدد تصریح می‌شود که این دو مورد آخر، صرفاً به دلیل آرایه روایتی بی‌واسطه‌تر و جان‌دارتر از اعتراضات نقل شده است.

اعتراضات معیشتی تا پیش از دهه ۱۳۹۰: جنبش و مقاومت آرام مردم عادی

«ما هم مستضعف هستیم، مستضعف به معنی واقعی. اگر نبودیم که به این شکل به این آپارتمان‌ها هجوم نمی‌آوردیم... زندگی بخور و نمیری داشتیم. زندگی که چه عرض کنم. تمام تلاش ما این بود که شکم بچه‌هایمان را سیر کنیم و اجازه‌خانه بدهیم که در بیشتر مواقع، دخل‌مان، کفاف خرج‌مان را نمی‌داد... بعدها به دلیل اعتصاب یک‌پارچه مردم که کمر رژیم طاغوت را شکست و همین‌طور کمر

۱۲. گزارش‌های مختلفی از تجمعات دانشجویی ۱۶ آذر ۱۳۹۸ در سایت‌ها، تلویزیون‌های فارس‌زبان خارجی و شبکه‌های مجازی منتشر شد. برای نمونه نک. «راديو زمانه»، «اعلام همبستگی دانشجویان با خیزش‌های داخلی و جهانی در روز دانشجو»، ۱۳۹۸/۹/۱۶؛ بی‌بی‌سی فارسی، «حمایت گروهی از دانشجویان از اعتراض‌های آبان‌ماه»، ۱۳۹۸/۹/۱۶ و کانال تلگرامی شوراهای صنفی دانشجویان کشور.

۱۳. اپرنا، «شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه تعطیل شد»، ۱۳۹۸/۸/۲۹.

ما را، وضع مان بدتر شد به طوری که دیگر به هیچ شکل قادر به پرداخت کرایه خانه و دیگر هزینه‌ها نبودیم. و این طور شد که ناچار به این آپارتمان‌ها روی آوردیم که خالی بود و نیمه‌تمام^{۱۴}».

(یکی از تصرف‌کنندگان آپارتمانی در جنوب تهران، ۱۳۵۸)

«ما که از راه حرام نان نمی‌خوریم که شهرداری بخواهد جلوی ما را بگیرد^{۱۵}».

(یکی از زنان دست‌فروش مواد غذایی، ۱۳۵۸)

«این مضحک است که آنها (دولت) ما را تهدید می‌کنند، به ما یعنی مستضعفین اینگونه توهین می‌کنند... آیا این دولت نباید از ما حمایت کند، از ما کوخ‌نشینان، حاشیه‌نشینان و ضعفا؟^{۱۶}»

(یکی از ساکنان علی‌آباد خزانه در جنوب تهران، ۱۳۷۴)

نقل قول اول به شورش مسکن در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۵۹ مربوط است. اگر گزارش‌های سه روزنامه مهم کشور یعنی کیهان، اطلاعات و آیندگان را در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۵۶ تا ۵۸ بررسی کنیم، با گزارش‌های مشروحی از تظاهرات روزانه در شهرهای مختلف مواجه می‌شویم که گاه به شیوه رمان‌های رئالیستی قرن نوزدهم، جزئیاتی نظیر شمار شرکت‌کنندگان در تظاهرات و سخنرانی‌ها و شعارها و... را شرح داده‌اند. در میان گزارش‌های دقیق روزنامه‌های آن دوران، یک نکته به چشم می‌خورد و آن اینکه حاشیه‌نشینان و کم‌درآمدترین بخش‌های جامعه غایبان انقلاب بوده‌اند.

آصف بیات در «سیاست‌های خیابانی» از تحقیقی میدانی یاد می‌کند که توسط جانت باوئر، انسان‌شناس آمریکایی، در فاصله زمانی خرداد ۵۶ تا اواخر ۱۳۵۷ در محلات تهی‌دست‌نشین جنوب تهران و برخی جوامع روستایی انجام شده بود. از نتایج این تحقیق یکی هم اینکه «تا پایان سال ۱۳۵۷، زنان (و یا مردان) نسبتاً کمی از کم‌درآمدترین محلات تهران در درگیری‌های خیابانی شرکت کردند^{۱۷}».

با توجه به اینکه همواره فرصت‌های محدودی در عرصه‌های مختلف نظیر درآمد، آموزش، مسکن و کسب مهارت‌ها، در اختیار تهی‌دستان بوده آنها لاجرم طبق توافقی نانوشته از شیوه «توسعه متکی به خود» بهره برده‌اند و این شیوه به بخشی از زیست روزمره آنها بدل شده است^{۱۸}. نکته‌ای ظریف اما مهمی که در اغلب بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی نادیده گرفته می‌شود این است که غالباً از تهی‌دستان به عنوان قربانیان منفعل وضع موجود نام برده می‌شود. اگرچه تهی‌دستان قربانیان اصلی سیاست‌های اقتصادی سه دهه اخیر بوده‌اند اما این تنها نیمی از ماجرا است چرا که گروه‌های محروم جامعه «پذیرندگان منفعل» تغییر و تحولات نبوده‌اند بلکه بر آن تاثیر گذاشته یا گاهی خود ایجاد کننده تغییر و تحولات بوده‌اند. چنین است که به تعبیری می‌توان گفت که در زندگی

۱۴. ر.ک. آیندگان، ۱۳/۳/۱۳۵۸.

۱۵. ر.ک. آیندگان، ۲۵/۴/۱۳۵۸.

۱۶. آصف بیات، سیاست‌های خیابانی، تهران: شیرازه، ۱۳۹۱.

۱۷. Bauer, "Poor Women and Social Consciousness in Revolutionary Iran".

۱۸. آصف بیات، سیاست‌های خیابانی، تهران: شیرازه، ۱۳۹۱.

هر روزه و فعالیت‌های اجتماعی گروه‌های محروم جامعه نوعی «جنبش مردم عادی» قابل ردیابی است.^{۱۹} این جنبش بیش از هر چیز معطوف به بهبود وضعیت زیستی و معیشتی گروه‌های محروم جامعه بوده است. شورش مسکن در ابتدای انقلاب یکی از نمودهای روشن همین مقاومت هر روزه گروه‌های تهی‌دست است.

پرویز پیران در مقالات متعددی درباره اسکان غیررسمی که در سال‌های مختلف منتشر شده‌اند^{۲۰}، همواره از اصطلاح «اجتماعات سرپناه خودساخته» به جای «حاشیه‌نشینی» استفاده کرده و آن را نه معضل شهری بلکه «راه‌حل تهی‌دستان شهری» و نوعی «برنامه‌ریزی محرومان» برای سرپناه در جوامعی که برای این لایه‌های جمعیت، برنامه و سیاست مسکنی ندارد دانسته است.

فرم‌های مقاومت روزمره مردم عادی گونه‌گون و متفاوت است و به جز تسخیر آپارتمان‌های خالی در آغاز انقلاب یا اسکان غیررسمی در سال‌های پس از آن، به شکل دست‌فروشی نیز ظهور داشته است. دست‌فروشی پدیده‌ای است که از آغاز انقلاب با آن مخالفت و برخورد می‌شد اما رفته رفته به میزان آن اضافه شد و امروز به واسطه مقاومت هر روزه گروه‌های فرودست به مسئله‌ای عادی برای مسئولان و مردم بدل شده است؛ هرچند هنوز هم گاهی خبر از برخوردهای ماموران دولتی و شهرداری با دست‌فروشان منتشر می‌شود.

شورش‌های شهری و معیشتی دهه هفتاد که در چند نقطه از کشور اتفاق افتاد نیز در ذیل همین جنبش‌های اعتراضی و مقاومتی مردم عادی قابل دسته‌بندی است. در پی سیاست‌های اقتصادی پس از جنگ و در نتیجه رشد افسارگسیخته تورم در سال‌های ابتدایی دهه هفتاد، شاهد اعتراضاتی در محلات شهری فقیرنشین بودیم که یکی از آنها شورشی سه‌روزه در اسلامشهر در سال ۱۳۷۴ بود. در سال‌های ابتدایی دهه هفتاد پنج ناآرامی بزرگ در تهران، شیراز، مشهد، اراک و خرم‌آباد رخ داد و در کنار این‌ها درگیری‌های کوچک فراوانی نیز در بسیاری از مراکز شهری به وقوع پیوست.^{۲۱}

نکته قابل تأمل اینکه روایت رسمی اغلب در مواجهه با فرم‌های مقاومت معیشتی، مردم عادی را اغتشاشگر خوانده است^{۲۲} اما در اعتراضات گسترده بعدی که در ادامه بررسی می‌شود، روایت رسمی از برجسب‌هایی مثل اغتشاشگران استفاه کرده است که به نظر می‌رسد بیشتر بهانه‌ای برای خاموش کردن یا تخطئه اعتراضات بوده است. مثلاً در حالی که اغلب رسانه‌های محافظه‌کار یا حتی در مواردی صداوسیما با نوعی همدلی اعتراضات دهه هفتاد را اعتراضات مردمی علیه سیاست‌های اقتصادی دولت سازندگی می‌دانند، اما در مواجهه با اعتراضات آبان‌ماه ۹۸ روزنامه کیهان از الفاظی مانند «آشوبگر» و «اراذل آدم‌کش» برای معترضین استفاده کرده است.^{۲۳}

۱۹. همان.

۲۰. برای نمونه می‌توان به بیش از سی مقاله پرویز پیران در باب اسکان غیررسمی در ماهنامه سیاسی-اقتصادی اطلاعات (در فاصله سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۹)، و فصل‌نامه هفت‌شهر شماره‌های ۲۴، ۲۵، ۲۹ و ۳۰ اشاره کرد.

۲۱. آصف بیات، سیاست‌های خیابانی، تهران: شیرازه، ۱۳۹۱.

۲۲. روایت رسمی شورش‌های دهه هفتاد را عمدتاً واکنشی طبیعی به سیاست‌های اقتصادی دولت سازندگی دانسته و حتی در مواردی نوعی همدلی با اعتراض‌ها نیز از خود نشان داده است. برای نمونه نک. «شورش‌های دهه هفتاد، تجربه تلخ استفاده از مدل‌های اقتصادی غرب در جامعه ایران» در پایگاه خبری کانون اندیشه جوان وابسته به پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲۳. کیهان، «مدعیان اصلاحات سفره مردم را کوچک کردند حالا طلبکار هم شده‌اند»، ۱۳۹۸/۹/۱۲.

اعتراضات معیشتی دهه ۹۰: خیزش فرودستان در زمانه بحران‌های ساختاری و ناامیدی از آینده

«جناب آقای احمدی‌نژاد بنده حقیر با خرج و مخارج بالای زندگی و با کارگری مشکلات زیادی را در زندگی تحمل می‌کنم و ضمناً با ۲۵ سال مستاجر بودن سختی‌های زیادی را در زندگی کشیده‌ام و دیگر جانم به لبم رسیده و از زنده بودنم بیزار شده‌ام و دستم از هرجا کوتاه شده است»^{۲۴}.

(از نامه کارگری تهیدست ساکن اکبرآباد، تیرماه ۱۳۹۱)

«ما هفت‌تپه را پس میگیریم. ما دیگر به دروغ‌های شما اطمینان نداریم. اگر تا آخر این هفته وضعیت مطالبات و قراردادهای مشخص نشود خودمان می‌رویم در مدیریت می‌نشینیم و هفت‌تپه را خودمان آباد می‌کنیم. خودمان اداره می‌کنیم»^{۲۵}.

(از صحبت‌های اسماعیل بخشی در اعتصاب کارگران هفت‌تپه، ۱۳۹۷)

«این‌ها یک مشت کارگرن که خدانشاهده پول نان امروز بعدازظهر را ندارند... خدا شاهده، به جان تک دخترم، بچه توی راهم، از باتوم‌تون نمی‌ترسم. یعنی اگر برم توی اوین از این زندگی کثافت‌م بهتره. این باتوم شما از اینی که همیشه جلوی زن و بچه‌ام کوچک بشوم خیلی بهتره. متاسفم برای دولتمردان. متاسفم برای مسئولین شهرم. همه کارخانه‌های اراک همینجوری از بین رفتند. متاسفم برات عزیز من توی نیروی انتظامی که باتومتو برای من نگه داشتی. شرکت آونگان تعطیل شد رفت. از حال زن و بچه‌اش خبر داری؟ شرکت صنایع تعطیل شد. آقایون نیروی انتظامی پیشگیری می‌کردید. بیکاری معضل همه فسادهای اجتماعه. آقای نیروی انتظامی جوان شهرمون کجا بره کار کنه؟ بیا توی شرکت هیپکو، کجا نیرو میگیره؟ امنیت رو چجوری می‌خواهی برقرار کنی؟ با زور؟ یا با تدبیر؟»^{۲۶}

(از صحبت‌های یکی از کارگران معترض هیپکو خطاب به نیروهای پلیس، شهریورماه ۱۳۹۸)

آنچه می‌توان از آن با عنوان مبارزات تهی‌دستان نام برد، اگرچه به یک تعبیر فعالیت‌ها و کردارهای معمولی و روزمره‌ای را دربرمی‌گیرد که عمدتاً معطوف به گذران زندگی است و نه مقابله سیاسی و آگاهانه و هدفمند برای متزلزل کردن دولت، اما واقعیت این است که «همین کنش‌های عادی و آرام توده‌ها تحت شرایط معینی می‌تواند هم قدرت را به چالش بکشد و هم روند نولیبرال‌سازی را مختل کند یا در آن وقفه افکند»^{۲۷}.

نقل قول اول که بخشی از یکی از نامه‌های رسیده به رییس دولت در ابتدای دهه نود است، نشان می‌دهد که اگرچه در آن دوره بخشی از جامعه «جان به لب شده» و آروزی «مرگ» دارد، اما شعارهای پوپولیستی هنوز برای بخشی از فرودستان جاذبه داشته و امیدی برای بهبود وضعیت معیشتی از طریق نامه‌نگاری با رییس دولت وقت باقی بوده است. از ابتدای دهه نود به این‌سو، این امید مدام

۲۴. علی‌رضا صادقی، *زندگی روزمره تهی‌دستان شهری*، تهران: آگاه، ۱۳۷۹.

۲۵. از فیلمی که در فضای مجازی بازتاب زیادی داشت و اکنون در سایت یوتیوب قابل مشاهده است: <https://www.youtube.com/watch?v=pNF1La>

۲۶. از فیلمی که در فضای مجازی بازتاب زیادی داشت و اکنون در سایت یوتیوب قابل مشاهده است:

https://www.youtube.com/watch?v=oMR۱۴Ww_qsl&list=ULXYLxZX۵۶rfQ&index=۱۳۴

۲۷. علی‌رضا صادقی، *زندگی روزمره تهی‌دستان شهری*، تهران: آگاه، ۱۳۷۹.

رنگ باخته و نوعی ناامیدی جای آن را پر کرده است. مشخصاً از دی‌ماه ۹۶ به این‌سو تغییراتی در ذهنیت جمعی جامعه روی داده که نمود آن در نظرسنجی‌های مختلف قابل مشاهده است.

محسن گودرزی در بررسی اعتراضات آبان‌ماه ۹۸، به بررسی برخی از نظرسنجی‌های انجام شده در دهه نود و مشخصاً از دی‌ماه ۹۶ تا امروز پرداخته و از این رهگذر تلاش کرده تا پاسخ دهد که این نظرسنجی‌ها چه واقعیت‌هایی را درباره افکار عمومی عیان می‌کنند. در مرداد ۱۳۹۳ نسبت کسانی که از وضعیت موجود جامعه دفاع می‌کردند و کسانی که وضعیت موجود را با انجام برخی اقدامات قابل اصلاح می‌دانستند، ۷۵ درصد بود. در سال ۱۳۹۶ این نسبت به ۶۸ درصد رسید. در بهمن ۱۳۹۵ حدود ۵۳ درصد پاسخگویان امیدوار بودند که وضعیت اقتصادی بهتر شود. در حالی که در خرداد سال ۱۳۹۸ حدود هفتاد درصد انتظار داشتند قیمت کالاها و بیکاری همچنان افزایش یابد. در ابتدای سال ۱۳۸۹ بیش از نیمی از پاسخگویان در پاسخ به یک نظرسنجی گفته‌اند که امیدی ندارند که در آینده وضعیت بهبود پیدا کند. همچنین نسبت به فساد هم امیدی وجود ندارد. در ابتدای سال ۱۳۸۹ بیش از نصف پاسخگویان گمان می‌کردند که فساد اداری و اقتصادی بیشتر می‌شود و حدود یک‌چهارم هم می‌گفتند شرایط تغییری نمی‌کند و همین وضعیت ادامه پیدا می‌کند. در اسفند ۱۳۹۷ در یک نظرسنجی دیگر ۸۴ درصد گفته‌اند که فکر می‌کنند نگرانی‌شان در آینده بیشتر خواهد شد. نتایج متعدد دیگری هم تایید می‌کنند که افکار عمومی بعد از دی ۱۳۹۶ نسبت به بهبود شرایط امید خود را از دست داده و به کارآیی نهادها و سیاست‌های رسمی هم امیدی ندارد^{۲۸}.

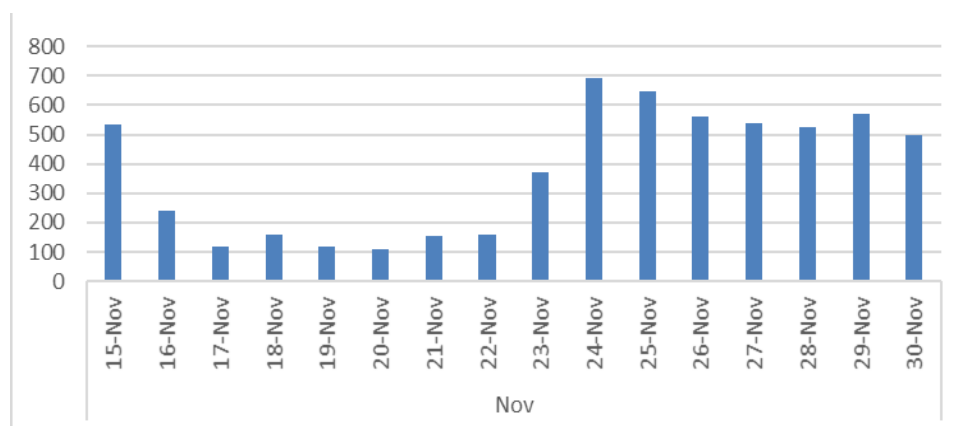
غلبه احساس ناامیدی در جامعه نموده‌های مختلفی دارد یکی از آنها روند رو به رشد مهاجرت یا میل به مهاجرت در سال‌های اخیر بوده است. حسین راغفر درباره مسئله مهاجرت به ما می‌گوید:

«در دهه‌های اخیر چند موج بزرگ مهاجرت داریم که سه مقطع آن در انقلاب، جنگ و سال ۸۸ رخ داده و موج آخر مربوط به سال‌های اخیر است که به طرز وحشتناکی در جریان بوده است. مهاجرت بیش از هر چیزی نوعی سیستم دفاعی برای فرار از واقعیت‌های تلخ جامعه است. معلوم نیست این فرار رو به بهبود است یا رو به بدتر شدن اوضاع زندگی.»

در نمودار شماره ۱ روند ارسال توییت با موضوع مهاجرت پس از اعتراضات آبان‌ماه مشاهده می‌شود. البته به دلیل قطع بودن اینترنت در ایران در روزهایی که اعتراضات در جریان بوده این روند با سکنه‌ای چند روزه مواجه شده اما بر اساس یافته‌های ما در بازه‌ای حدود پانزده روزه (از ۲۴ آبان تا ۱۰ آذر) بیش از ۶۷۰۰ توییت با موضوع مهاجرت منتشر شده و حدود نود درصد گرایش احساسی غالب در توییت‌ها منفی بوده است.

۲۸. محسن گودرزی، «شهروند عاصی و احتمالات آینده»، اندیشه‌پویا ۶۳، آذر و دی ۱۳۹۸.

نمودار شماره ۱۱. ارسال توییت با موضوع مهاجرت پس از گرانی بنزین و طی اعتراضات آبان ماه.



با توجه به روند رو به افزایش اعتراضات معیشتی در سال‌های دهه نود و به عبارت دقیق‌تر در سه سال اخیر، (شامل اعتراضات کارگری، بازنشستگان، معلمان و نیز دو اعتراض گسترده دی ۹۶ و آبان ۹۸)، می‌توان گفت که اعتراضات معیشتی اینک از فرم مقاومت‌های روزمره برای گذران زندگی خارج شده و به صورت آگاهانه و هدفمند صورت می‌گیرد. در سال‌های اخیر چند نمونه مشخص می‌توان نام برد که در آنها اعتراضات معیشتی بُعدی گسترده یافته‌اند. بر یکدیگر تاثیر گذاشته‌اند و بعد از مدتی با شدتی بیشتر ادامه یافته‌اند.

دست‌کم در سه سال اخیر نمونه‌های فراوانی را می‌توانیم مثال بزنیم که در آن اعتراضات کارگری به سمت نوعی همگرایی پیش‌رفته و برخوردهای امنیتی با کارگران نه تنها باعث خاموش شدن صدای اعتراضات نشده، بلکه بُعدی گسترده‌تر به اعتراضات داده و آن را به عرصه‌های وسیع‌تری کشانده است. اعتراضات کارگران هفت‌تپه و گروه ملی فولاد اهواز نمونه‌ای روشن از این موضوع است. در یک نمونه، سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه سال گذشته بیانیه‌ای منتشر کرد که در بخشی از آن آمده بود:

«در شرایطی که تعدیل نیروی کار، فقدان امنیت شغلی به واسطه رکود حاکم بر اقتصاد و نبود امنیت شغلی، سیاست‌های ویرانگر نئولیبرالی خصوصی‌سازی، ناکارایی مدیریتی، بی‌کفایتی و بی‌لیاقتی کارفرمایان، و دستمزدهای معوقه به عناصر مشترک اعتراضات مزدبگیران بخش بزرگی از واحدهای نیمه‌جان تولیدی در سراسر کشور تبدیل شده و صدای اعتراضات محدود کارخانه‌ای کارگران هم به‌جایی نمی‌رسد، تقویت اراده جمعی کارگران، هم‌افزایی و رساتر کردن صدای مطالبه خواهی با اعتراضات فراکارخانه‌ای پیوند خورده است»^{۲۹} (تاکید از ما است)

۲۹. کانال تلگرامی سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه. همچنین نک. رادیو زمانه، «گسترش اعتراضات کارگران نیشکر هفت‌تپه و فولاد ملی خوزستان»، ۱۳۹۷/۸/۲۳.

همچنین شعار «فولاد هفت‌تپه/ اتحاد اتحاد» بارها در تجمعات کارگران هر دو کارخانه سر داده شده^{۳۰} و یا پس از بازداشت تعدادی از کارگران هفت‌تپه، کارگران فولاد در حمایت از آنها شعار داده^{۳۱} و در یکی از تجمعات‌شان، کریم سیاحی (از نمایندگان کارگران فولاد اهواز) با پرسیدن این که آیا سکوت خیانت نیست گفته بود که اگر به اعتراضات ادامه ندهیم فردا نوبت (بازداشت) ما است^{۳۲}.

نکته حایز اهمیت دیگر این است که از نیمه دهه نود به این سو، معلمان و فرهنگیان که اغلب به عنوان بخش‌هایی از طبقه متوسط شناسایی می‌شوند، با اعتراضات کارگری همسویی و همراهی نشان داده‌اند و می‌توان گفت که اعتراضات معیشتی در حال بدل شدن به خواستی مشترک است^{۳۳} و حتی امروز معلمان و فرهنگیان خود را بخشی از طبقه کارگر قلمداد می‌کنند. از سوی دیگر، امروز بخش مهمی از جریان‌های فعال در دانشگاه‌ها بیش از آنکه پیگیر مطالباتی باشند که معمولاً طبقه متوسط نسبت به آنها حساس است (مطالباتی نظیر آزادی مطبوعات و جامعه مدنی و آزادی بیان و...)، نسبت به وضعیت معیشتی کارگران و معلمان و بازنشستگان حساس است و به عبارتی در دهه نود اعتراضات دانشجویی نیز با اعتراضات معیشتی پیوند خورده است. اگرچه در دهه هشتاد گرایش‌های برابری‌خواهانه در میان بخش‌هایی از جریان‌های دانشجویی شکل گرفته بود، اما آنچه در سال‌های اخیر دیده می‌شود بی‌سابقه بوده است. شعار «فرزند کارگرانیم/ کنارشان می‌مانیم» و یا «کارگر معلم دانشجو / اتحاد اتحاد^{۳۴}» به روشنی نشان‌دهنده پررنگ شدن اعتراضات اقتصادی و معیشتی با محوریت کارگران و فرودستان است که گروه‌های مختلفی را به هم پیوند زده است.

ابربحران بیکاری و ناامیدی از بازار کار

«جوانان، با آرزوهای بر باد رفته، جز بیکاری، یا در بهترین حالت کارگری کارخانه یا رانندگی تاکسی در یکی از شهرهای بزرگ، چیزی دیگر در آینده خود نمی‌بینند.»

(سهراب بهداد و فرهاد نعمانی، طبقه و کار در ایران، ۱۳۸۴)

«بیکاری، تورم/ بلای جان مردم»، «بیکاری بیکاری/ حجاب زن اجباری»

(از شعارهای مردم و دانشجویان در اعتراضات معیشتی و دانشجویی^{۳۵})

بیکاری یکی از مسائلی است که به اعتراضات معیشتی دامن زده و در سال‌های اخیر نهادهای رسمی و غیررسمی بارها نسبت به بحران‌های ناشی از آن هشدار داده‌اند. بهداد و نعمانی در پژوهش راهگشایشان که در نیمه دهه ۱۳۸۰ منتشر شده بود، بیکاری را «چشم اسفندپار» دولت‌های ایران دانسته و درباره ورود «کودکان دوره پزایی» به بازار کار هشدار می‌زدند و نوشته بودند:

۳۰. https://www.youtube.com/watch?v=vSvpTEV..._tY&list=PLPjAxeRqXN6hEAFbOsLjTHmta.lGyAo&index=۱۶&app=desktop .نک.

۳۱. نک. به گزارش تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی (۱۳۹۷/۸/۳۰) که اینک در این لینک قابل مشاهده است: <https://www.bbc.com/persian/iran-۴۶۲۹۷۹۵۷>

۳۲. رادیو زمانه، «اعتراضات کارگران هفت‌تپه و فولاد اهواز»، ۱۳۹۸/۹/۷.

۳۳. سایت صدای آمریکا، «واکنش معلمان، وکلا و دانشجویان دیگر شهرها به اعتراض هفت‌تپه، از کارگران حمایت می‌کنیم»، ۱۳۹۷/۸/۲۸، این موضوع در اعتراضات دانشجویی ۱۶ آذر ۹۸ هم دیده می‌شود.

۳۴. این شعار در سال‌های اخیر بارها در تجمعات دانشجویی شنیده شده یا بر پلاکاردها نوشته شده است. برای نمونه نک. «دو چپ‌وله فارسی»، «تجمعات ۱۶ آذر»، ۲۰۱۹/۱۲/۷.

۳۵. این شعارها امسال در اعتراضات دانشجویی مختلف شنیده شد که فیلم‌های متعددی از آن در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده؛ همچنین نک. «ایران اینترنشنال»، ۱۳۹۷/۲/۲۳.

«با وارد شدن بیشترین تعداد کودکان دوره پرزایی به بازار کار در این سال‌ها، بهترین موقعیتی که اکثریت قاطع این جوانان (تحصیل کرده یا غیر آن) می‌توانند انتظار داشته باشند موقعیت طبقه کارگر است»^{۳۶}

بیکاری نیز از آن دست مسائلی است که در طول زمان متراکم شده و امروز به نقطه‌ای بحرانی رسیده است. طی دهه ۱۳۶۰، بیکاری به عنوان آشکارترین ویژگی اقتصاد ایران باقی ماند^{۳۷}. تنها در دوره سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۶ بالغ بر چهارصد هزار نفر از کانال‌های رسمی و قانونی حکم اخراج گرفتند^{۳۸}. در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ شمار کارگران خوداشتغال در بخش غیررسمی ۱۹۰ درصد رشد داشت^{۳۹} که این به معنای هجوم جمعیت بیکار به مشاغل خیابانی است. بر اساس برخی گزارش‌ها در اواخر دهه هفتاد، در حدود صد هزار نفر در مشهد از راه دست‌فروشی و دوره‌گردی روزگار می‌گذراندند^{۴۰}. این روند تا به امروز ادامه داشته و بنابر آخرین گزارش‌های رسمی منتشر شده درباره بیکاری به نظر می‌رسد که امروز بحران تازه‌ای نیز شکل گرفته و آن **نامیدی از بازار کار** است.

پژوهش بهداد و نعمانی و پیش‌بینی آنها درباره آینده بازار کار ایران مشخصاً درباره نسبت تحصیلات و بازار کار، وضعیت زنان در بازار کار و ورود کودکان دوره پرزایی به بازار کار ایران امروز و بر اساس گزارش‌های رسمی به اثبات رسیده است. به نظر می‌رسد آنچه بهداد و نعمانی سال‌ها پیش درباره تغییر شکل اعتراضات زنان نوشته بودند امروز در شعارهای اعتراضی دانشجویان مشاهده می‌شود. به اعتقاد آن‌ها:

«تاکنون، در تاریخ جمهوری اسلامی ایران، مبارزه زنان اساساً در عرصه‌های فرهنگی و حقوقی بوده است. تردیدی نیست که مقابله با سیاست‌های تبعیض‌آمیز جنسیتی جمهوری اسلامی همچنان توسط نیروهای مردمی مخالف دولت ادامه خواهد یافت. اما، انتظار می‌رود که، مشکل بیکاری زنان، و تبعیض جنسیتی در اشتغال، در آینده نقش مهم‌تری در این مقابله بیابد. میزان بیکاری زنان (از نرخ بیکاری مردان) بیشتر است، و فشار زنان برای ورود به بازار کار رو به افزایش است. مشکلات اقتصادی خانواده‌ها، و افزایش میزان سواد و تحصیلات زنان طی این سال‌ها، تقاضای زنان را برای کار در جامعه برجسته‌تر می‌کند»^{۴۱}

در یکی از شعارهایی اعتراضی که پیش‌تر به آن اشاره شد، پیوند مسئله فرهنگی و حقوقی مربوط به زنان (حجاب) را با مسئله اقتصادی (بیکاری) مشاهده می‌کنیم. این شعار همچنین نشان دهنده پیوند خوردن بخشی از مطالبات گروه‌هایی از طبقه متوسط با اعتراضات معیشتی نیز هست. این موضوعی است که در بیان مسئولان امنیتی هم دیده می‌شود و در همین اعتراضات اخیر، یکی از مسئولان نظامی گفته بود که «دشمن برای اقدام علیه ما از جامعه زنان استفاده می‌کند»^{۴۲}. در جریان اعتراضات آبان سال جاری تصاویری از حضور زنان در این اعتراضات در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. از جمله زنی سفیدپوش که در میانه اتوبانی در تهران، جلوی خودروها را می‌گرفت و از آن‌ها می‌خواست به اعتراضات بپیوندند. یا زنی در خرم‌آباد لرستان که از جمعیت معترض می‌خواست

۳۶. سهراب بهداد و فرهاد نعمانی، «طبقه و کار در ایران»، تهران: آگاه، ۱۳۸۶.

۳۷. آصف بیات: *زندگی همچون سیاست*.

۳۸. فرشاد مومنی، *اقتصاد ایران در دوران تعدیل ساختاری*، تهران: نقش‌ونگار، ۱۳۸۶.

۳۹. آصف بیات: *زندگی همچون سیاست*، ترجمه فاطمه صادقی.

۴۰. محمدطاهر احمدی شادمهری، «بررسی وضعیت شاغلان بخش غیررسمی؛ مطالعه موردی شهرستان مشهد»، دانش‌وتوسعه: ۱۳۸۶.

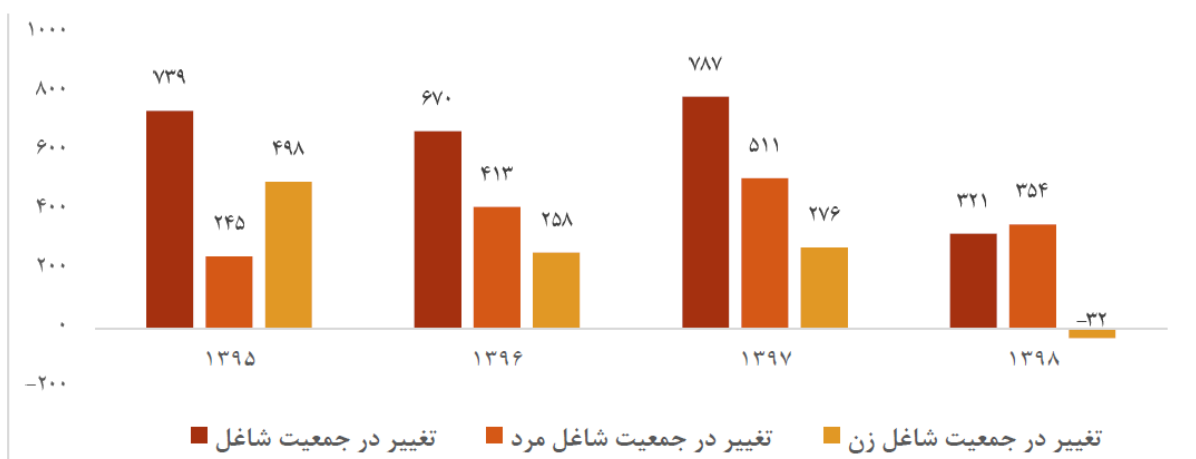
۴۱. سهراب بهداد و فرهاد نعمانی، «طبقه و کار در ایران»، تهران: آگاه، ۱۳۸۶.

۴۲. سردار فدوی، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۸/۹/۳.

که به اموال عمومی آسیب نزنند، و یا زنی در نجف‌آباد اصفهان که فریاد می‌زد: «زن‌هایی که سرپرست خانوارند و هیچی در دستشان نیست چه کار کنند؟ به داد مردم برسید! به داد مردم برسید مسئولین! به داد این زن‌هایی که سرپرست خانوارند برسید»^{۴۳}. در گزارش‌های رسانه‌های داخلی نیز به همین نکته اشاره شده و برای مثال در یک مورد آمده که: «میان‌داری و میدان‌داری ویژه زنان در اغتشاشات اخیر، چشمگیر به نظر می‌رسد. در نقاط متعدد به‌ویژه حومه تهران، زنان ظاهراً ۳۰ تا ۳۵ سال، نقش ویژه‌ای در لیدری اغتشاشات به عهده دارند. اینکه چرا در اغتشاشات اخیر، زنان به مهره میداندار تبدیل شده‌اند، خود جای سؤال دارد»^{۴۴}.

بنا بر گزارشی که اخیراً مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر کرد، طی سه سال منتهی به بهار ۱۳۹۷، جمعیت فعال در هر سال به طور متوسط ۹۵۸ هزار نفر افزایش داشته است که تقریباً ۵۳ درصد از آن مردان و مابقی زنان بوده‌اند. اما در بهار ۱۳۹۸ نسبت به فصل مشابه سال قبل، جمعیت فعال ۴۳ هزار نفر کاهش داشته است^{۴۵}. نمودار زیر که اطلاعاتش بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در بهار ۹۸ اخذ شده^{۴۶}، نشان می‌دهد افزایش در جمعیت در سن کار کشور در این فصل نسبت به سال‌های قبل رشد داشته، بنابراین کاهش جمعیت فعال به دلیل خروج افراد از بازار کار رخ داده است. گزارش مرکز پژوهش‌ها درباره این مسئله تصریح می‌کند که کاهش جدی در جمعیت فعال بیشتر به دلیل دلسردی افراد از یافتن کار رخ داده و این رویه در کاهش جمعیت فعال زنان بسیار مشهود است.

نمودار شماره ۲. تغییرات در جمعیت شاغل در بهار هر سال نسبت به بهار سال قبل



ماخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس

۴۳. رادیو زمانه، ۱۳۸۹/۹/۴.

۴۴. صبح نو و خبرگزاری فارس، ۱۳۹۸/۸/۲۸.

۴۵. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، «تحلیل شاخص‌های بازار کار در فصل بهار ۱۳۹۸»، ۱۳۹۸/۵/۱.

۴۶. مرکز آمار ایران، دفتر جمعیت نیروی کار و سرشماری، «چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار»، بهار ۱۳۹۸.

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در مورد بیکاری به این نکته اشاره کرده که کاهش جمعیت بیکار به همراه کاهش نرخ مشارکت و جمعیت فعال و افزایش قابل توجه جمعیت غیرفعال در مردان و زنان، نشان می‌دهد که به دلیل نامساعد بودن وضعیت بازار، افراد بیکار از جستجوی کار دلسرد شده و از بازار کار خارج شده‌اند و در این بین سهم عظیم زنان با توجه به ترکیب ۵۰ درصدی جمعیت زنان از جمعیت در سن کار، قابل تأمل و توجه است.

از گزارش مرکز پژوهش‌ها این نتیجه به دست می‌آید که اگرچه نرخ بیکاری در فصل بهار ۱۳۹۸ نسبت به فصول مشابه در سه سال اخیر کاهش داشته است اما با توجه به سایر شاخص‌های بازار کار، باید توجه داشت کاهش نرخ بیکاری نه به دلیل افزایش اشتغال قابل توجه بلکه به دلیل خارج شدن افراد از بازار کار و افزایش قابل توجه جمعیت غیرفعال رخ داده است. نتایج برآوردهای مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد در صورتی که این افراد از بازار کار خارج نمی‌شدند نرخ بیکاری کل کشور به ۱۳/۹ درصد می‌رسید که نسبت به نرخ اعلام شده ۳/۱ درصد بیشتر است. در واقع در صورتی که افراد خارج شده از بازار کار در فصل بهار ۱۳۹۸ همچنان متقاضی شغل بودند نه تنها بیکاری ۱/۳ درصد کاهش نمی‌یافت بلکه ۱/۶ درصد نیز افزایش می‌یافت.

جدول شماره ۱. تغییرات نرخ بیکاری با لحاظ جمعیت غیرفعال در سه ماه اول ۱۳۹۸

تفاوت	نرخ بیکاری بهار ۱۳۹۸	برآورد نرخ بیکاری بهار ۱۳۹۸ با فرض عدم افزایش جمعیت غیرفعال	کل
۳/۱	۱۰/۸	۱۳/۹	
۱/۲	۹/۲	۱۰/۴	مرد
۱۰/۸	۱۷/۳	۲۸/۱	زن

ماخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس

مرکز پژوهش‌های مجلس گزارش مفصل‌تری هم درباره تحولات بازار کار ایران در دوره پاییز ۹۳ تا زمستان ۹۶ منتشر کرده و در آن تصریح کرده که با توجه به افزایش تعداد بیکاران و نرخ بیکاری در فصول مورد بررسی، نرخ‌های بیکاری جوانان و افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در وضعیت نامطلوبی نسبت به سال‌های گذشته قرار گرفته است. در این گزارش به نرخ بیکاری زنان جوان (۱۵ تا ۲۹) سال دارای تحصیلات دانشگاهی در استان‌های کرمان، اردبیل و کرمانشاه اشاره شده که به ترتیب ۸۴/۹، ۷۹/۵، ۷۸/۲، ۷۶/۴ درصد است. این ارقام بیانگر یک وضعیت بسیار نامتعادل در استان‌های مختلف کشور است و با وجود کاهش جزیی نرخ بیکاری در فصل تابستان و زمستان سال ۱۳۹۶ همچنان این ارقام نگران‌کننده و بحران‌زاست^{۴۷}.

۴۷. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، «بررسی تحولات مهم بازار کار ایران در دوره پاییز سال ۱۳۹۳ تا زمستان سال ۱۳۹۶»، شهریور ۱۳۹۷.

بحران معیشت در اعتراضات سراسری دی ۹۶ و آبان ۹۸: حمله پرنده‌های سیاه و سفید به دنیای رنگی

«ماهی یک میلیون و دویست هزار تومان حقوق می‌گیرم و ماهی چهارصد هزار تومان فقط بنزین می‌زنم، ندارم، به پیغمبر قسم ندارم... به این درجه قسم ندارم... تو سالی دوبار (لباس) استحقاقی می‌گیری من سه سال یک‌بار لباس می‌خرم، ندارم، مجبورم^{۴۸}».

(از صحبت‌های یکی از معترضین خطاب به مامور پلیس، آبان‌ماه ۱۳۹۸)

«ما اگه پول داشتیم اسلحه بخریم می‌رفتیم نان می‌خریدیم! چند نفر اینجا کشته دادند؟ عزادارها در خانه‌هایشان دارند گریه می‌کنند. مگر بچه‌اش چه کار کرده است؟ مگر بچه‌اش داعشی است؟ مگر بچه‌اش منافق است؟ بچه‌اش آمد در خیابان یک داد زد گفت بابا من بیچاره‌ام... بابا من نان ندارم بخورم. من خودم لیسانسه‌ام اما بیکارم... بیکارم... می‌فهمی بیکار کیه؟ سراغ دارم از بیکاری رفته زنش را طلاق داده. گفت پول این زن و بچه را ندارم^{۴۹}».

(از صحبت‌های مردم ماهشهر، آذر ۱۳۹۸)

اعتراضات گسترده دی‌ماه ۹۶ اتفاقی بی‌سابقه در چهار دهه پس از انقلاب بود و اگرچه بعد از چند روز خاموش شد، اما در آبان‌ماه ۹۸ موج دیگری از اعتراضات سراسری، این‌بار در واکنش به گرانی بنزین، شکل گرفت که می‌توان آن را ادامه اعتراضات دی ۹۶ اما با ابعادی گسترده‌تر دانست. با اعلام شبانه افزایش قیمت بنزین، جامعه در شوکی عجیب فرو رفت و سپس با فاصله‌ای کوتاه واکنشش را به این شوک نشان داد. تبعات افزایش یک‌باره قیمت بنزین و اعتراضات آبان‌ماه هنوز ادامه دارد و می‌توان گفت که جامعه هنوز به شرایط عادی برگشته است و همچنان پرسش‌های بسیاری درباره وقایع آبان‌ماه وجود دارد.

با این حال بر اساس وقایع دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸ می‌توان گفت که بحران معیشت به دلیل اصلی اعتراضات مردم بدل شده است. تبعیض، گرانی، بیکاری و تورم از جمله مضامینی است که بخش‌هایی از جامعه سال‌ها است در اعتراضات پراکنده‌شان نسبت به آنها شعار می‌دادند اما با عدم ایجاد تغییرات ملموس و تداوم سیاست‌های اقتصادی فقرزا تا امروز دو موج گسترده اعتراضات سراسری در جامعه ظهور کرده است.

در گزارشی که سال گذشته موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی درباره افزایش دستمزدها ارایه داد، صراحتاً اشاره شده بود در سال ۹۸ شاهد گسترش اعتراضات کارگری و معیشتی خواهیم بود^{۵۰}. در چند سال اخیر بسیاری از کارشناسان نیز درباره تبعات ادامه وضع

۴۸. از فیلمی کوتاه که مربوط به اعتراضات آبان‌ماه ۹۸ است و در آن یکی از معترضان خطاب به مامور پلیسی که روبه‌روی او ایستاده صحبت می‌کند. این ویدیوی چندثانیه‌ای که با گوشی همراه گرفته شده، یکی از

پربازدیدترین فیلم‌های منتشر شده از اعتراضات آبان‌ماه بود که در تلویزیون‌های فارسی‌زبان و نیز فضای مجازی و کانال‌های پربازدید تلگرامی نظیر **وحدانلاین** منتشر شد.

۴۹. از گزارش میدانی حامد هادیان از ماهشهر که اولین‌بار ۲۷ آذر ۱۳۹۸ منتشر شد.

۵۰. **موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی**، «مزد حداقلی و بازتولید فقر»، اسفند ۱۳۹۷.

موجود اقتصادی هشدارهای صریحی داده‌اند از جمله حسین راغفر که بارها گفته بود به سمت «شورش» و «قحطی» پیش می‌رویم.^{۵۱} او همچنین بودجه سال ۹۷ را هم «دعوت به شورش» نامیده بود.^{۵۲} همچنین محمد مالجو در تحلیل اعتراضات دی‌ماه ۹۶ می‌گوید:

«بستر انتشار اعتراضات مردمی به‌تمامی آشکار است. اشاره‌ام به وضعیت نامطلوب اصلی‌ترین شاخص‌های اقتصاد کلان در وضعیت کنونی است: تورم، بیکاری، و نابرابری. وضعیت اسفبار این شاخص‌ها محصول عملکرد درازمدت نوعی اقتصاد سیاسی ناسالم در ایران چهار دهه اخیر است. بنابراین ماهیت اعتراضات سراسری مردمی اصولاً نارضایی‌های اقتصادی است. اما آن‌چه بر شعله‌های این اعتراضات به‌قوت می‌دمد نارضایی گسترده از فقدان حداقل‌هایی از حقوق مدنی و سیاسی شهروندی در زندگی روزمره‌ی همه‌ی ایرانیان است.»^{۵۳}

پس از اعتراضات دی‌ماه ۹۶ نظرات مختلفی درباره این وقایع منتشر شد اما به طور رسمی دو نشست برگزار شد که در آن کارشناسانی از طیف‌های فکری مختلف نظراتشان را بیان کردند. در ادامه مروری کوتاه بر نظرات مطرح شده در این دو جلسه کرده‌ایم چرا که هم نشان دهنده نظرات طیف‌های مختلف فکری درون حاکمیت است و هم تا حدودی نشان می‌دهد که با آرام شدن جامعه پس از وقایع دی‌ماه توجه چندانی به ریشه‌های اعتراضات نشده و از این نظر می‌توان گفت که اعتراضات آبان‌ماه ۹۸ هم چیزی دور از انتظار نبوده است. در جدول شماره ۱ چکیده‌ای از نظرات مطرح شده در نشست‌هایی که با عنوان بررسی ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ناآرامی‌های دی‌ماه ۹۶ برگزار شده بود قابل مشاهده است.^{۵۴}

جدول شماره ۲. چکیده‌ای از نظرات مطرح‌شده در نشست بررسی ابعاد دی‌ماه ۹۶

فرشاد مومنی	بحران بی‌عدالتی و نابرابری‌های غیرقابل تحمل، کارد را به استخوان مردم رسانده است. بحران کارکردگی ساختار قدرت، نظام حکمرانی و بحران مشارکت در بازارهای سیاست از جمله بحران‌های موجود است.
علی دینی ترکمانی	موازی‌کاری‌های متعدد فساد به وجود آورده و باید نگاه‌مان به جهان را تغییر دهیم چراکه با این روش پیش‌مدرن نمی‌توان به خوبی حکمرانی کرد.
امیر محبیان	افزایش انتظارات، کاهش امکانات، ایجاد و پیدایش تصویر ناکارآمدی از نظام در ذهن توده‌ها و کاهش امید به آینده چهار عامل اساسی اتفاقات دی‌ماه هستند. اعتراضات از طبقه‌ای نوپدید بود و مسئله‌ای حل نشده باقی مانده زیرا مشکلی که شنیده نشود تبدیل به مسئله می‌شود و مسئله‌ای که حل نشود تبدیل به اعتراض می‌شود.
محمدامین قانع‌راد	نظام سیاسی ایران شکاف‌دار، دوگانه و غیرمنسجم است. بین تعهدات منطقه‌ای و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی و تعهدات ملی داخلی شکاف وجود دارد. همان‌گونه که کاهش منابع اقتصادی و اقتدار دولت ممکن است به تکرار پدیده ناآرامی‌ها در سال‌های آینده بینجامد، چنین نظامی که دارای شکاف‌های جدی در دورن خودش است نیز به چنین پدیده‌ای می‌انجامد.
محمد فاضلی	این نه احساس یا تصویر ناکارآمدی بلکه خود ناکارآمدی است که وجود دارد و این احساس در جامعه وجود دارد که کسی نمی‌خواهد مسئولیت بپذیرد.

۵۱. حسین راغفر، سخنرانی در نهمین گنجره حزب اراده ملت ایران در کانون توحید، بهارنیز، ۱۳۹۷/۷/۲۷.

۵۲. حسین راغفر، فرارو، ۹۶/۱۱/۱۱.

۵۳. محمد مالجو، رادیو زمانه، ۱۳۹۶/۱۰/۱۰.

۵۴. به نقل از روزنامه خراسان، ۱۳۹۶/۱۱/۷.

نشستی هم درباره وقایع دی‌ماه ۹۶ در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری برگزار شد که در جدول شماره ۳ چکیده‌ای از نظرات مطرح شده در آن نشست را مرور کرده‌ایم.^{۵۵}

جدول شماره ۳. چکیده‌ای از نظرات مطرح شده در نشست مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری درباره دی‌ماه ۹۶

محمد آقاسی (رئیس مرکز ایسپا)	بر اساس نظرسنجی‌های پیشین پیش‌بینی وقوع اتفاقاتی نظیر دی‌ماه ۹۶ را می‌کردیم. در نظرسنجی‌هایی که طی سال گذشته از سوی ایسپا انجام شد، در نتایج شاهد افت امید مردم به آینده بودیم. این موضوع نشان می‌داد که جامعه به سمت اتفاقاتی نظیر اعتراضات اخیر در حال حرکت است.
حسام‌الدین آشنا	کسانی که افکار عمومی را نادیده می‌گیرند باید منتظر باشند که با سیلی‌های محکم‌تری از سوی افکار عمومی مواجه شوند. مردم ظاهراً صدا ندارند، اما آن زمان که صدای آنها به سیاستمداران می‌رسد معمولاً دیگر زمان برای اصلاحات دیر شده است. باید باور کنیم که اعتراضات دی‌ماه هشدار جدی برای تصمیم‌گیران بود و اگر این هشدارها را جدی نگیریم با فاجعه مواجه خواهیم شد. اگر روند کنونی اصلاح نشود، پیش‌بینی می‌کنیم که در آینده شاهد وقوع اعتراضات بیشتری در حوزه‌های گوناگون باشیم. بنا به نحوه مواجهه با اعتراضات ممکن است با ورود دهک‌های پایین جامعه به اعتراضات و احتمال افزایش جدی خشونت مواجه شویم. این اعتراضات مهر اقتصادی خورده اما لایه زیرین آن سیاسی و اجتماعی است.
حمیدرضا جلایی‌پور	اینکه ۷۵ درصد از جامعه مخالف وضع موجود هستند اما ۵۰ درصد از آنها نیز با اعتراض مخالفت دارند یعنی اینکه جامعه آماده اصلاحات است.
سیدحسین سراج‌زاده	داده‌های حاصل از نتایج نظرسنجی‌های انجام شده نشان می‌دهد که هنوز اکثریت مردم ایران رویکردشان اصلاح است، فهم این موضوع برای صاحبان قدرت موضوعی بسیار مهم است.
مسعود نیلی	مسئله‌ای که امروز با آن مواجه هستیم این است که کشور با ابرچالش‌هایی مواجه است که سقف شرایط بهبود وضعیت را بسیار پایین آورده است و این وضعیت نیز ناشی از تصمیماتی است که طی چند دهه گذشته اخذ شده و به هیچ وجه از بیرون تحمیل نشده است.
محمد مهدی مجاهدی	این اعتراضات دو خصلت دارند؛ یکی اینکه تناسخی هستند و چهره عوض می‌کنند و هر بار که باز می‌گردند انتظار داریم چهره بیرونی و خیابانی‌شان با دفعه قبل متفاوت باشد. دومین خصلت اعتراضات اخیر در آکاردئونی بودن آنهاست به این معنا که باز و بسته می‌شوند و در بسته شدن‌ها که به نظر می‌رسد در شرایط فعلی در آن حالت قرار داریم نباید به عنوان پایان ماجرا تلقی کرد.
محمد رضا جلایی‌پور	با توجه به اینکه بیش از ۷۰ درصد پاسخ دهندگان به نظرسنجی‌ها به سیاستهای اقتصادی دولت معترض بودند در حالیکه شش ماه قبل بیش از ۲۴ میلیون نفر به روحانی رای دادند به نظر می‌رسد دولت برای شکاف واقعیات اقتصادی و روندها و تصویر مردم از این واقعیات باید فکری بکند. به نظر می‌رسد که حاکمیت باید عمیقاً چندپاره بودن جامعه ایران را بپذیرد و با آن صلح کند و به گروه‌های راضی و ناراضی حق نمایندگی بیشتری بدهد و به آنها این احساس را بدهد که شنیده می‌شوند تا در یک فرآیند چند ساله از میزان ناامیدان از اصلاح در کشور کاسته شود.
عبدالله گیویان	نزدیک بودن فاصله نفی روحانی و نفی کل حاکمیت به این معنا است که یکی از ثمرات کمک نکردن به دولت و رها کردن آن، می‌تواند نفی حاکمیت نیز باشد.
عبدالعلی رضایی	اعتراضات اخیر به معنای کلاسیک شورش فقرا نبود. در این زمینه چنانچه که اصلاح در حکمرانی مساله اصلی ما است باید به دنبال پاسخ این پرسش باشیم که چگونه می‌توان دریای مطالبات مطرح شده در اعتراضات اخیر را به گونه‌ای شکل دهیم که اصلاح‌پذیری سیستم طی آن ممکن شود.

از مجموعه نظراتی که در دو جدول فوق مشاهده می‌شود، می‌توان این نتیجه را گرفت که:

- وقایع دی‌ماه ۹۶ قابل پیش‌بینی بوده است.
- دلیل اصلی اعتراضات مسایل اقتصادی و معیشتی بوده هرچند که در ادامه با مسایل سیاسی هم پیوند خورده است.

- امید به آینده به طور ملموسی در جامعه کاهش یافته است.
- وقوع اعتراضاتی نظیر دی‌ماه ۹۶، در صورت تداوم وضعیت موجود، قابل پیش‌بینی بوده است.

با فاصله‌ای حدوداً دو ساله از دی‌ماه ۹۶ اعتراضات گسترده‌تری در آبان‌ماه ۹۸ رخ داده و هنوز ابعاد واقعی این اتفاق روشن نیست. اما تا همین جا می‌توان این پرسش را مطرح کرد که نظام سیاستگذاری اقتصادی و اجتماعی پس از دی‌ماه ۹۶ چه راهکارهایی برای پیشگیری مجدد از اعتراضات سراسری انجام داده است. همچنین باید به این نکته هم توجه کرد که بعد از اعتراضات دی‌ماه ۹۶ اگرچه اعتراضات عمومی خاموش شده بود اما اعتراضات معیشتی در قالب اعتراضات کارگری، بازنشستگان و معلمان ادامه داشته و در مواردی نظیر اعتراضات هپکو از فرم آرام اعتراض خارج شده بود. از این رو می‌توان گفت که اعتراضات آبان‌ماه ۹۸ هم رخدادی دور از انتظار نبوده است. اگرچه اعتراضات آبان‌ماه ۹۸ هم به روایت نهادهای رسمی و امنیتی^{۵۶} و هم به گفته فعالان سیاسی^{۵۷} بسیار گسترده‌تر از اعتراضات دی‌ماه ۹۶ بوده، اما به اعتبار درونمایه اصلی اعتراضات - فقر و گرانی و وضعیت معیشتی - و هم از نظر سوژه‌های اصلی اعتراض؛ شباهت‌های زیادی به یکدیگر دارند و از این حیث می‌توان آنها را دو اعتراض گسترده و سراسری معیشتی و اقتصادی در نیمه دهه نود بدانیم که بر بستری از اعتراضات گسترده اما پراکنده معیشتی در تمام سال‌های دهه نود رخ داده‌اند.

نکاتی کلی درباره بازنمایی رسانه‌ها از اعتراضات آبان‌ماه ۹۸

در تحلیل کلی فضای رسانه‌های درباره اعتراضات آبان‌ماه ۹۸ می‌توان نخست به چند نکته مقدماتی اشاره کرد:

- مهم‌ترین رسانه جهان امروز، اینترنت، در روزهای اعتراضات آبان‌ماه قطع بود و از این رو واکنش‌های رسانه‌های افکار عمومی در داخل کشور با تاخیر منعکس شده است.
- در روزهایی که اعتراضات در جریان بود، رسانه‌های داخلی به طرز آشکاری نسبت به اعتراضات سکوت کردند و به جز روایت رسمی که از سوی مقامات رسمی ارائه می‌شد تقریباً هیچ روایت دیگری در رسانه‌ها دیده نمی‌شد.
- در غیاب اطلاع‌رسانی رسانه‌های داخلی و نیز قطع بودن اینترنت، تلویزیون‌های فارسی‌زبان خارج از کشور و خاصه «ایران اینترنشنال» و بعد «بی‌بی‌سی فارسی»، «من‌وتو»، «صدای آمریکا» و «ایران فردا» به بازتاب گسترده و البته دلخواهی وقایع پرداختند.

قطع کردن اینترنت و بازنمایی دیرنگام جامعه در رسانه‌های داخلی، اگرچه به خاموش شدن اعتراضات آبان‌ماه کمک کرد اما از سوی دیگر باعث شد تا نقطه ثقل ماجرا نادیده گرفته شود. برخی از مقامات رسمی کشور معتقد بودند که اینترنت باید زودتر قطع

۵۶. خبرگزاری تسنیم، «سردار جوانی: ابعاد اغتشاشات اخیر از فتنه ۸۸ گسترده‌تر بود»، ۱۳۹۸/۹/۸.

۵۷. مصطفی تاجزاده، اعتماد آنلاین، ۱۳۹۸/۹/۱۸.

می‌شد^{۵۸} تا از دامنه حوادث کاسته می‌شد. قطع کردن اینترنت در آبان ماه ۹۸ و فیلتر تلگرام در دی‌ماه ۹۶، اگرچه تمهیدی امنیتی بوده است که به خاموش شدن اعتراضات کمک کرد، اما از سوی دیگر تبعات بلندمدتی به همراه دارد که قابل تامل است.

اگر در دی‌ماه ۹۶ نیاز به مسدود کردن تلگرام بود در آبان ۹۸ نیاز به قطع کردن اینترنت، به طور کلی، وجود داشت و این مسئله به تنهایی می‌تواند نشان‌دهنده گسترش ابعاد ماجرا باشد. واقعیت این است که در اعتراضات دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸ مسئله نه تلگرام یا اینترنت، بلکه وضعیت اقتصادی جامعه به طور کلی بود.

از منظری متفاوت می‌توان گفت که قطع کردن اینترنت یا مسدود کردن ابزار ارتباط جمعی، به نوعی خاموش کردن صداهای اعتراضی مردم و ایجاد گسستی عمیق میان روایت رسمی و روایت از پایین جامعه است. در روزهای پس از آبان ۹۶، در یک نظرسنجی ملی از مردم درباره «فیلترینگ تلگرام» پرسیده شد که ۵۰٫۹ شرکت‌کنندگان در نظرسنجی معتقد بودند که فیلترینگ تلگرام باید هرچه زودتر برطرف شود. همچنین ۱۷٫۲ درصد بر این باور بودند که تا پایان اعتراضات فیلترینگ تلگرام باید برقرار باشد و ۱۱٫۷ درصد نیز معتقد بودند که فیلترینگ تلگرام برای همیشه باید تداوم یابد^{۵۹}. تلگرام امروز موضوع حایز اهمیتی نیست اما اشاره به این نکته مسئله مهم‌تری را مطرح می‌کند و آن اینکه از اعتراضات دی‌ماه ۹۶ چه آموخته‌ایم و چقدر در راستای افق و رضایت افکار عمومی تلاش کرده‌ایم؟

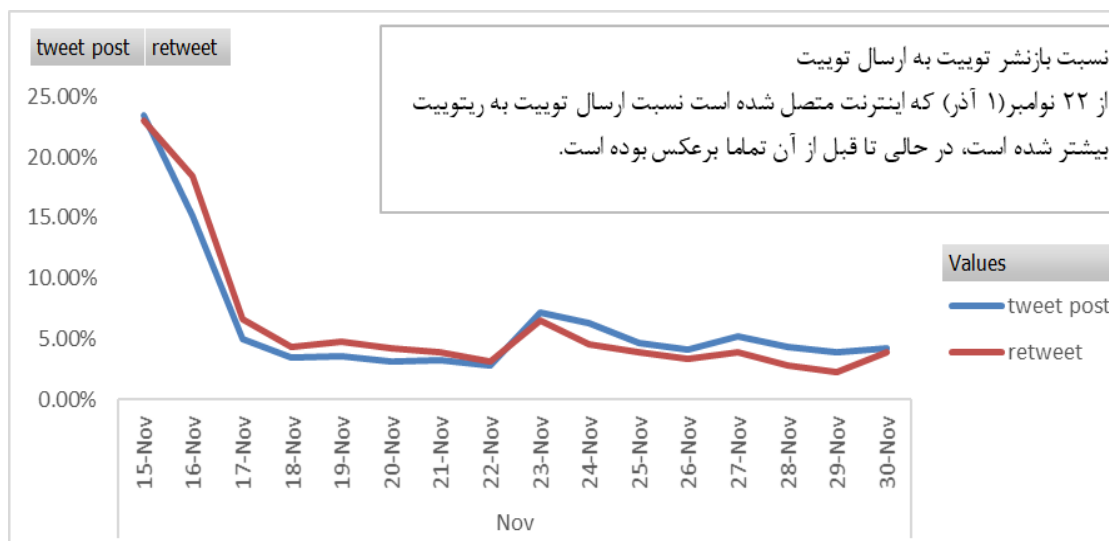
یافته‌های ما درباره وضعیت انتشار روزنامه‌ها در روزهای اعتراضات آبان‌ماه حاوی نکته‌ای قابل تامل است؛ در روزهایی که اینترنت قطع و دسترسی جامعه به شبکه‌های اجتماعی غیرممکن بود، تیراژ و فروش روزنامه‌ها نه تنها افزایش نیافته بلکه با افتی ملموس هم روبرو بوده است. این یعنی حتی اگر جامعه به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی هم دسترسی نداشته باشد، برای آگاهی از اخبار به سراغ روزنامه‌ها نمی‌رود و حتی از این فراتر، می‌توان گفت که روزنامه‌های کشور در روزهای اعتراضات آبان‌ماه آن‌قدر از فضای جامعه دوره بوده‌اند که فروش‌شان در مقایسه با روزهای قبل از اعتراضات کاهش هم داشته است. بعد از وصل شدن اینترنت، یکی از کاربران اینترنت در توییتری که اتفاقاً جزو تاپ‌توییت‌ها یا توییت‌های پربازدید هم بوده نوشته بود که در نبود شبکه‌های اجتماعی سایت دیوار که نیازمندی‌ها و آگهی‌های رایگان منتشر می‌کند را چک می‌کرده: «در مدتی که اینترنت نداشتم جای توییت‌ها اینستاگرام، #دیوار رو چک می‌کردم. ابتدا از سر بی‌حوصلگی، اما بعد از روی شگفتی و کنجکاوی. چیزهایی در همین اطرافامون وجود دارن که حقیقتاً خودم از شون خبر نداشتم. در این #رشتو، بعضی از چیزهایی که دیدم رو بازگو می‌کنم.»

همچنین یافته‌های ما در بررسی توییت‌ها نشان می‌دهد که گرانی بنزین، قطع کردن اینترنت و اعتراضات آبان‌ماه باعث شده است که از ابتدای آذرماه رفتار کاربران ایرانی توییت‌ها دچار تغییر بشود. تا پیش از این تاریخ همواره میزان ریتوییت‌ها بیشتر از توییت‌ها بوده اما در پی اتفاقات آبان‌ماه، کاربران توییت‌ها دچار این احساس شده‌اند که احساسات منفی یا خشم‌شان را با ریتوییت کردن نمی‌توانند تخلیه کنند و روی به توییت کردن آورده‌اند. نمودار شماره ۳ این وضعیت را نشان می‌دهد.

۵۸. ایسنا، ۹۷/۸/۲۸.

۵۹. مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا)، آرایه نتایج سه نظرسنجی پیرامون اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶.

نمودار شماره ۳. روند تغییر رفتار کاربران توییت پس از وقایع آبان ماه



نکته کلیدی دیگر نیز درباره اقع افکار عمومی وجود دارد. با وقوع اعتراضات آبان ماه، دولت، منتقدان دولت و صداوسیما به عنوان رسانه ملی بارها یکدیگر را متهم به عدم تلاش برای اقع افکار عمومی کردند اما نکته‌ای که اینک بسیار عجیب به نظر می‌رسد این است که شیوه اجرای افزایش قیمت بنزین دقیقاً برخلاف آن چیزی بوده که چند ماه پیش خود دولت بر آن تاکید کرده است. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، بنابر خبری که در سایت مرکز در دسترس است^{۶۰}، در مردادماه امسال نشست تخصصی با عنوان «بررسی تبعات اجتماعی اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و راه‌های کاهش تنش میان مردم و دولت» برگزار کرده است. اگرچه در گزارشی که این مرکز در تاریخ ۹ آذر منتشر کرده روز دقیق برگزاری این نشست نیز اعلام شده (۱۳۹۸/۵/۱۵)، اما به هیچ‌یک از شرکت‌کنندگان در این جلسه اشاره‌ای نشده و گزارش صرفاً به ارایه جمع‌بندی نکات مطرح شده در این نشست پرداخته است. در جدول شماره ۴ نکات مطرح شده در نشست مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری ارایه شده است. پرسش اصلی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اگر دولت چند ماه قبل از اجرای طرح افزایش قیمت بنزین با برگزاری نشست تخصصی به چنین جمع‌بندی رسیده است چرا دقیقاً برخلاف آن عمل کرده است؟ به عبارتی اینک می‌توان پرسید که در شیوه اجرای افزایش قیمت بنزین به کدام یک از نکات مطرح شده در جدول زیر توجه شده است؟

جدول شماره ۴. جمع‌بندی نشست تخصصی با عنوان «بررسی تبعات اجتماعی اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و راه‌های کاهش تنش میان مردم و دولت»

اجماع میان مسئولان و نخبگان، تضمین‌کننده انتخاب صحیح و موفقیت طرح است. پس لازم است میان مسئولان حاکمیتی و جامعه نخبگان بر سر چگونگی این اصلاحات توافق حاصل گردد. تا در صورت داشتن تبعات منفی در سطوح اقتصادی و سیاسی، سرمایه اجتماعی دولت کاهش پیدا نکند.	اجماع میان مسئولان و نخبگان
ایران نیاز به اصلاحات ساختاری همه‌جانبه‌ی اقتصادی مانند اصلاح نظام بانکی، مالیاتی و ... دارد و تنها اصلاح نظام یارانه حامل‌های انرژی نمی‌تواند برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور کافی باشد. بنابراین دولت در وهله اول باید توان پاسخ‌گویی به این سؤال جامعه را داشته باشد که چرا می‌خواهد اصلاحات ساختاری را از حامل‌های انرژی شروع کند و از تأثیرات مثبت این	آغاز اصلاحات ساختاری همه‌جانبه

۶۰ پایگاه خبری مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۸/۹/۹.

اصلاح بر دیگر حوزه‌های اقتصادی با مردم سخن گوید و در نهایت یادآور شود که اصلاحات دیگر حوزه‌های اقتصادی نیز با جدیت در دستور کار دولت است.	
لازم است قبل از اجرای هر طرحی پیرامون اصلاح یارانه حامل‌های انرژی، طرح مسئله‌ای از طرف دولت برای مردم در این باره صورت گیرد و دولت به تبیین طرح مد نظر خود بپردازد. باید اهداف چندجانبه این اصلاحات از قبیل استفاده بهینه از فرآورده‌های انرژی سوخت‌های فسیلی، افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری صنایع تولیدی و خدماتی، افزایش منابع در اختیار دولت برای انجام وظایف اساسی همچون تأمین زیرساخت‌ها و کالاهای عمومی، حفظ محیط‌زیست، افزایش رفاه خانوار و کاهش انگیزه‌های قاچاق سوخت برای مردم تشریح شود.	لزوم گفتگو با مردم
همچنین ضروری است دولت به سراغ افزایش سرمایه اجتماعی رود به این صورت که مخالفان و ذی‌نفعان عدم اجرای طرح‌های مربوط به اصلاح یارانه حامل‌های انرژی را به مردم معرفی کند و از آن‌ها بخواهد دلایل عدم موافقت خود را در جامعه مطرح کنند. پس به این صورت منافع مشروع و نامشروع حاصل از یارانه حامل‌های انرژی تفکیک و به مردم معرفی شود. به‌علاوه در طی گفتگو و تعامل با جامعه نه تنها زمان کافی برای اقدام در اختیار دولت قرار می‌گیرد بلکه طرحی با کمترین تبعات اجتماعی از دل گفتگو با مردم انتخاب خواهد شد. تنها در این صورت است که دولت حداقل هزینه تبعات اجتماعی را می‌پردازد. البته لازم به ذکر است که دولت باید آمادگی پذیرش سطحی از بی‌ثباتی بعد از اصلاح قیمتی حامل‌های انرژی را داشته باشد.	افزایش سرمایه اجتماعی
دولت برای اجرای چنین اصلاحاتی نیاز دارد در ابتدا سرمایه اجتماعی خود و اعتماد مردم را بالا برد. مردم باید احساس کنند که گیرنده اصلی عواید اصلاح یارانه حامل‌های انرژی هستند و این اصلاحات به افزایش رفاه آن‌ها ختم خواهد شد. تنها در این صورت است که دولت می‌تواند مردم را با خود برای شروع این اصلاحات همراه کند.	دستآورد ملموس برای مردم
طرح انتخابی دولت برای اصلاح قیمت حامل‌های انرژی باید با کاهش حداکثری مداخله دولت در نظام قیمت‌گذاری بازار حامل‌های انرژی همراه باشد. همچنین باید عواید حاصل از آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی به‌صورت روشن برای مردم مشخص باشد که صرف چه چیزی خواهد شد.	شفافیت

رسانه‌ها از نمایی نزدیک‌تر

اگر در آغاز اعتراضات دی‌ماه ۹۶ برخی جریان‌های منتقد دولت نخست به حمایت از اعتراضات پرداختند و سپس با گسترده‌تر شدن اعتراضات آن را محکوم کردند، می‌توان گفت که در اعتراضات آبان‌ماه ۹۸ صدای یکسان‌تری از رسانه‌های داخلی در مواجهه با اعتراضات شنیده شد. اگرچه بخشی از این صدای یکسان به محدودیت‌های رسانه‌های داخلی در بازنمایی اتفاقات برمی‌گشت و هرچه از اعتراضات آبان‌ماه فاصله گرفتیم کم‌کم صداهای متفاوت‌تری از برخی رسانه‌های داخلی شنیده شد.

در اغلب رسانه‌هایی که می‌توان آنها را مربوط به جریان محافظه‌کار یا اصولگرایان دانست صدایی واحد در محکومیت اعتراضات آبان‌ماه شنیده می‌شود و اگرچه در مواردی در خبرگزاری فارس مطلبی با عنوان «به معترضان تریبون بدهید»^{۶۱} هم دیده می‌شود، اما همین خبرگزاری دو روز بعد در مطلبی دیگر با استفاده از برچسب‌هایی مانند ارادل و اوباش و تروریست‌های وطنی پاسخی به گزارش خودش می‌دهد.^{۶۲} در رسانه‌های این جریان کم‌تر تحلیل درخوری درباره حوادث آبان‌ماه دیده می‌شود و از یک‌سو انتقاداتی از دولت در نحوه اجرای طرح و از سوی دیگر محکومیت اعتراضات دیده می‌شود. برای مثال در یکی از گزارش‌های کیهان آمده بود: «مسئبان

۶۱. خبرگزاری فارس، ۹۸/۸/۲۷.

۶۲. خبرگزاری فارس، ۹۸/۸/۲۹.

اصلی مشکلات کشور کسانی‌اند که با حمایت و هواداری تمام‌قد خود از حسن روحانی و سیاست‌ها و برنامه‌های دولت تدبیر و امید، سفره مردم را کوچک و انبوهی از مشکلات و معضلات اقتصادی و معیشتی را بر ملت و نظام اسلامی تحمیل کردند^{۶۳}. یا در نمونه‌های دیگر در روزنامه جوان در تحلیل اعتراضات این‌طور آمده که: «سرعت و نحوه عمل اغتشاشگران در حوادث روزهای اخیر پس از اعلام نرخ‌های جدید بنزین با فاصله کمتر از ۲۴ ساعت از شروع عرضه بنزین با قیمت جدید، از آمادگی کامل شبکه نفوذ دشمن در مواجهه احتمالی برای نقش‌آفرینی حداکثری در چنین حوادثی حکایت می‌کند. نحوه حضور اغتشاشگران به خوبی نشان می‌دهد که آنان از مدت‌ها قبل سازماندهی شده، تجهیز شده، شبکه‌سازی شده، شبکه ارتباطی مطمئن برای آنان تعریف شده، رزمایش‌های پنهانی برگزار کرده و با دریافت کدهای از پیش تعریف شده، از طریق شبکه ارتباطی به میدان وارد شده‌اند^{۶۴}». در این میان البته باید به خبرگزاری تسنیم اشاره کرد که روندی متفاوت را طی کرد و کوشید تا بر بعد اجتماعی و اقتصادی ماجرا تاکید کند.

اما در رسانه‌های مستقل یا نزدیک به اصلاح‌طلبان، بعد از گذشت چند روز از اعتراضات صداهای متفاوت‌تری از روایت رسمی هم دیده شد. در جدول شماره ۵ بخشی از مهم‌ترین نظرات و نقدهای منتشر شده در رسانه‌های داخلی، روزنامه‌ها و سایت‌ها و خبرگزاری‌ها، نقل شده است.

جدول شماره ۵. بازتاب اعتراضات آبان‌ماه در رسانه‌های داخلی

<p>جامعه ایران در شرایط کنونی با دو حاشیه مواجه است؛ اولی حاشیه سیاسی- فرهنگی که بخش عمده خود را در سبک زندگی، ارزش‌های فردی و مشارکت در حوزه‌های مختلف نشان می‌دهد. از آنجا که تعداد قابل توجهی از افراد به ویژه در سال‌های ۸۴ تا ۹۲ به این نتیجه رسیدند که حذف شده و به حاشیه رانده شده‌اند، وقتی به مرور قدرتمند شدند و سال ۸۸ فرصتی گیر آوردند، به شکلی خود را نشان دادند. برای من بیش از آنکه در مسئله ۸۸ موضوع انتخابات مهم باشد، همین وجهش مهم بود. در سال ۹۶ هم افرادی خود را نشان دادند که چیزی برای از دست‌دادن نداشتند، یعنی سطوح مشارکت‌کننده در این اعتراضات غالباً افراد بی‌کار و کسانی بودند که راهی برای زندگی کردن نداشتند و چشم‌اندازی برایشان وجود نداشت. در سال ۹۸ هم این دو گروه به هم رسیده‌اند. شاید مشارکتشان هم‌سنگ نباشد، اما به هم رسیدند. اتفاقاتی که در سال ۹۸ رخ داد، این است که مسئله حاشیه ضعیف و فقیر خیلی کلیدی‌تر شده است^{۶۵}.</p>	عباس عبدی
<p>با نگاهی به اقصی نقاط دنیا از جمله اروپا می‌توان به این نتیجه رسید که با تغییر سیاست‌های دولت‌ها در حوزه اقتصادی، واکنش‌هایی از سوی جامعه صورت می‌گیرد که کیفیت این واکنش‌ها بستگی به نوع هاضمه و تحمل آن جامعه دارد. معتقدم در کشور ما نیز خیلی مسئله حادی نبوده و ناآرامی‌ها عمدتاً به دلیل شوک اعلام افزایش یکباره ۳۰۰ درصدی نرخ بنزین بوده است. نمونه این اعتراضات حتی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۶ در تهران برای افزایش نرخ کرایه‌های اتوبوس به وقوع پیوست؛ بنابراین هر جایی که قرار است تحولی در حوزه اقتصادی رخ دهد، غالباً اعتراضات اجتماعی نیز در پی می‌آید و اتفاقات روزهای اخیر نکته جدیدی نیست که مختص ایران باشد؛ البته هدفم از بیان این بحث تقلیل اعتراضات اخیر نیست و قصدم این است که این موضوع را به شکل واقع‌بینانه ببینیم و نیازی نیست که خیلی بخواهیم از دید اینکه ایران در حال یک فروپاشی اجتماعی است، به مسئله نگاه کنیم^{۶۶}.</p>	محمد مهدی اسماعیلی
<p>ریشه و جنس این اعتراضات را اقتصادی می‌دانم. با این وجود تاثیر اعتراضاتی که در گذشته در کشور اتفاق افتاده نیز در اعتراضات اخیر خود را بروز داده است. هر کدام از اعتراضاتی که در گذشته رخ داده یک نقطه در حیات اجتماعی و سیاسی جامعه ایران بوده</p>	حسین راغفر

۶۳. روزنامه کیهان، ۱۳۹۸/۹/۱۲.

۶۴. روزنامه جوان، ۱۳۹۸/۸/۲۸.

۶۵. فرارو، ۹/۸/۹.

۶۶. همان.

<p>است. به همین دلیل اگر به این اعتراضات پاسخ مناسبی داده نشود روی همدیگر انباشته می‌شوند و در آینده به اعتراضات گسترده‌تر و عمیق‌تری تبدیل می‌شوند. از سوی دیگر اعتراضات اخیر از نوع برخورد نظام سیاسی و تصمیم‌گیری ما با اعتراضات گذشته تغذیه شده است. اعتراضات مخرب اخیر محصول بی‌توجهی به اعتراضات گذشته است. نمی‌توان این اعتراضات را از تصمیمات اشتباه دولت‌های گذشته جدا کرد. در نتیجه اعتراضات اخیر به نوعی تجمیع اعتراضات گذشته بوده است. نوع اعتراضات در تهران مدنی‌تر از شهرهای دیگر بود. به عنوان مثال راهبندان‌هایی که در روزهای ابتدایی اعتراضات در تهران رخ داد از جمله این اعتراضات مدنی بود. این در حالی است که در شهرهای دیگر کشور وضعیت به این شکل نبود و اعتراضات شکل مخربی به خود گرفت. شکل اعتراض در مناطق مختلف کشور متفاوت بوده اما همه این اعتراضات با توجه به سابقه قبلی شکل گرفته‌اند. مسئولان باید از اعتراضات گذشته درس‌های لازم را می‌گرفتند اما به نظر می‌رسد این اتفاق رخ نداده و مسئولان از اعتراضات گذشته درس‌های لازم را نگرفته‌اند.^{۶۷}</p>	
<p>چنانچه اعتراضات سال ۱۳۹۶ را به معنای زنگ خطر شکست اعتماد به نهاد مستقر سیاست‌ورزی و اعتراضات سال ۱۳۹۸ را به عنوان زنگ خطر تنگدستی اقتصادی در نظر بگیریم، همه مواد لازم برای دستور پخت پوپولیسم در حال حاضر در کشورمان موجود هستند. این گرایش به پوپولیسم می‌تواند از سویی ظهور نظامی‌گری در فضای سیاسی کشور را تسهیل کند و از سوی دیگر، کشور را به مارپیچی از تنزل اقتصادی وارد کند. در عین حال، تنگدست شدن اقتصاد می‌تواند به عنوان فرصتی تاریخی در خدمت تغییر بنیادین در نظام اندیشگی اقتصادی کشور قرار گیرد. گرچه به هر حال بازسازی اقتصاد و بازگشت به مسیر توسعه، مستلزم تحمل دوره‌ای از ریاضت‌های اقتصادی خواهد بود.^{۶۸}</p>	<p>نوید رئیسی</p>
<p>نباید درباره خطر «شورش گرسنگان» اغراق کرد؛ به اصطلاح گرسنگان و پابرهنگان به خودی خود و به تنهایی هیچ وقت نمی‌توانند تغییری اساسی در سیاست رقم بزنند، برای همین عمر چنین اعتراض‌هایی با وجود شدت و تخریب زیاد آن، به زحمت به چند روز می‌رسد. درصد زیادی از آدم‌های حاشیه‌نشین و زحمتکش که برای گذران عمر مجبور به کار بام تا شام هستند، اساساً فرصتی برای اعتراض جدی و ادامه موثر آن ندارند، آنچه هم به صورت محدود و توسط برخی رخ می‌دهد را هر دولتی، چه در پاریس، چه در تهران با آن برخورد می‌کند. از منظر سیاسی برای بسیاری از دولت‌ها «شورش گرسنگان» آنقدرها مساله حادی نیست، از رقابت برخی گروه‌های سیاسی داخلی برای ماهی گرفتن از آب گل آلود اعتراض‌ها که بگذریم، تا وقتی آن «طبقه» مشکل ساز، یعنی طبقه متوسط شهری، وارد اعتراض‌ها نشود اتفاق جدی نمی‌افتد. می‌توان ادعا کرد در بسیاری از موارد تهیدستان و حاشیه‌نشینان در واقع تنها آش دستپخت این طبقه مشکل ساز را هم می‌زنند تا اینکه خود آشپز اصلی باشند.^{۶۹}</p>	<p>امیرحسین خالقی</p>
<p>آنچه رخ داد را جنبش اجتماعی حاشیه‌نشینی می‌دانم که نمونه مشابه هم داشت و آن هم اتفاقات دهه هفتاد و سال ۹۶ است. در دهه هفتاد شورش‌هایی در نتیجه سیاست‌های نئولیبرال آقای رفسنجانی و تیمشان در اکبرآباد، اسلام شهر، قزوین و مشهد به وجود آمد و کشته‌هایی داشت. اینها شورش‌های طبقه محروم بود که مشابهت‌هایی با جریانات اخیر داشت. چیزی که جنبش حاشیه‌نشینیان را برجسته می‌کند، راه نیافتن روایت آنها از منافعشان به حوزه عمومی است؛ یعنی نمی‌توانند روایت خود را به حوزه عمومی انتشار بدهند چون رسانه و صدایی در درون حاکمیت و اصطلاحاً State ندارند. رسانه، شخص یا اشخاصی وجود ندارد که اینها را بازنمایی کند و نمایندگی آنها را به عهده بگیرد. سیاست‌های نئولیبرال از دهه هفتاد شروع شد و می‌بینید نتیجه اش دو قطبی وحشتناک فقیر-غنی در جامعه است و مهمتر از همه این است که در دهه هفتاد هنوز حاشیه‌نشینان صدا داشتند و می‌توانستند روایتشان را به گوش مردم جامعه برسانند. رسانه‌ها و مسئولینی بودند که این صدا را نمایندگی می‌کردند و نظام ارزشی به گونه ای بود که صدا خود به خود منعکس می‌شد اما در جنبش حاشیه‌نشینی ۱۳۹۸ اولاً دو قطبی فقیر-غنی نسبت به دهه هفتاد خیلی شدیدتر شده، ناکارآمدی دولت نئولیبرال بیشتر خود را نشان داده و مهمتر از همه دهن‌کجی‌های آشکار نئولیبرالی به مردم هم بیشتر شده است.^{۷۰}</p>	<p>احمد نادری</p>

۶۷. روزنامه آرمان، ۱۳۹۸/۹/۴.

۶۸. هفته‌نامه تجارت فردا، ۳۴۰، ۱۳۹۸/۹/۱۶.

۶۹. روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۸/۹/۱۹.

۷۰. خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۸/۹/۱۷.

<p>پیش‌بینی می‌کنم که دیر یا زود باز هم اتفاق می‌افتد. همچنان که آبان ۹۸ از دی ۹۶ گسترده‌تر، خشن‌تر و غارتی‌تر بود، بدی هم گسترده‌تر، خشن‌تر و غارتی‌تر خواهد بود اگر جمهوری اسلامی به سرعت به فکر این نباشد که با مردم آشتی کند و به سمت این برود که رضایت و اعتماد و مشارکت آنها را جلب کند.^{۷۱}</p>	<p>مصطفی تاجزاده</p>
<p>اگر آمارها را نگاه کنید بین ۱۶ تا ۱۹ میلیون در ایران حاشیه نشین وجود دارد شما فقط به جغرافیای اعتراضات نگاه کنید؛ به خصوص جاهایی که خشن شده است، بیشتر این مناطق، مناطق حاشیه نشین بوده است، یعنی شهرها و شهرک‌هایی است که به وجود آمده و افرادی که در شهرهای اصلی نتوانستند زندگی کنند و دائماً به عقب رانده شدند، اعتراض کرده‌اند. شما از ۹۶ تا الان نگاه کنید آیا مسئله‌ای حل شده است؟ اگر الان هم اعتراضاتی به خاطر بنزین شکل نمی‌گرفت قطعاً در مورد دیگری این اتفاق رخ می‌داد چون مردم احساس نمی‌کنند که مسئله شان در حال حل شدن است اتفاقاً این مسئله هر چقدر که دورتر می‌شود سنگین‌تر می‌شود و ما کارشناسان باید آزر را به صدا در بیاوریم. در سال ۸۸ اتفاقی که افتاد یک حرکت سیاسی بود که یکسری بسترها هم داشت؛ یک جریان سیاسی هم سوار آن شد و از آن استفاده کرد اما در سال ۹۶ اصلاً این موضوع نبود. عمده اعتراضات، اقتصادی بود، در سال ۹۸ هم اینگونه بود حتی شکل شعارها نیز در حال تغییر است و مسئولان باید به دقت به این قضیه نگاه کنند.^{۷۲}</p>	<p>امیر محبیان</p>
<p>در طول چهار دهه گذشته با دو نوع اعتراض سیاسی و معیشتی روبرو بودیم، که اعتراضات معیشتی نیز به دو دسته صنفی و غیر صنفی تقسیم می‌شود. اعتراضات کارگری شرکت نیشکر هفت تپه از نوع اول اعتراضات معیشتی بود که یک صنف و سندیکا کارگری آن را سازماندهی کرده بود و از شدت و حدت کمتری به لحاظ خشونت برخوردار بود و مطالبات آن‌ها نیز کاملاً مشخص بود اما اعتراضات اخیر، اعتراضات معیشتی از نوع غیر صنفی بوده است. نکته متفاوت اعتراضات اخیر وسعت آن‌ها است، اعتراضات دهه هفتاد تنها در یک شهر یا حتی یک محله رخ دادند، اما در مورد اعتراضات روزهای گذشته قضیه فرق می‌کند و شهرهای زیادی درگیر این اعتراضات شده‌اند، هرچند که خاصیت اصلی این وقایع موقتی بودن است و این اعتراضات به زودی پایان خواهد یافت.^{۷۳}</p>	<p>محمد عاملی</p>
<p>هیچ‌کدام این افراد اغتشاشگر نیستند و فقط واکنش نشان دادند و خواستند تله‌ای را که در آن گرفتار هستند و تله فضایی فقر است، بشکنند. در ادبیات نوین به سکونتگاه‌های غیررسمی تله فضایی فقر می‌گویند که تله کاملاً انسان‌ساخت ناشی از شکست دولت است. سیاست‌های شتاب‌زده تعدیل کم‌کم تأثیر می‌گذارد و در دهه ۷۰ به دلیل حذف کارگاه‌های کمتر از پنج نفر از پوشش بیمه‌ای، این افراد بیشتر در تله فضایی فرو می‌روند. فضا تا اندازه‌ای پیش می‌رود که اکنون تقریباً به قطعیت می‌توان گفت دهک اول در ایران اصلاً بیمه نیست.^{۷۴}</p>	<p>کمال اطهاری</p>
<p>مردم به‌طور کلی از مسائل زیادی عصبانی هستند؛ زیرا سیر اداره کشور در چند سال گذشته به سمت اقناع و هم‌آوایی جامعه پیش نرفته و منجر به ایجاد خشم متراکم در میان عموم شده است که در روزهای اخیر سر باز کرده است. رادیکال شدن اعتراض‌ها به مفهوم اغتشاش از بیرون مرز است؛ اما به مفهوم اعتراض داخلی نیز هست. باید اذعان کرد معمولاً اقشار عادی دست به چنین تخریب‌هایی نمی‌زنند؛ اما به هر روی معترضان تنها به افزایش قیمت بنزین معترض نبوده‌اند. برای نمونه، اکنون چند سال است ایران در رکود است. از سال‌های پایانی دولت آقای احمدی‌نژاد رکود آغاز شد و همچنان تا امروز ادامه دارد. البته درباره مسئله رکود اختلاف‌نظر وجود دارد و دولت می‌گوید ما اکنون در رکود نیستیم؛ اما به‌عنوان یک کارشناس اقتصادی معتقدم در رکود به سر می‌بریم. مردم نیز به‌هیچ‌وجه رونق اقتصادی را در کشور احساس نمی‌کنند.^{۷۵}</p>	<p>احمد توکلی</p>
<p>شهروند عاصی موجودیت اجتماعی روبه‌رشدی است که به شکاف‌های اجتماعی، نابرابری، تبعیض‌ها و طرد اجتماعی عینیت می‌بخشد. برای توضیح وقایع جامعه ایران یا به دست دادن تحلیل و برآوردی از وضعیت آینده، می‌توان مفهوم شهروند عاصی را در زمینه‌های تغییر‌یابنده تحلیل کرد. برای مثال، حاشیه‌نشینی را همراه با مفهوم شهروند عاصی بازخوانی کرد و به این نکته توجه کرد که متغیرها یا عللی که پیش از این در یک زمینه اجتماعی معین عمل می‌کردند، حال با مفهوم شهروند عاصی به نحو دیگری</p>	<p>محسن گودرزی</p>

۷۱. اعتماد آنلاین، ۱۳۹۸/۹/۱۸.

۷۲. خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۸/۹/۱۳.

۷۳. فرارو، ۱۳۹۸/۸/۲۷.

۷۴. روزنامه شرق، ۱۳۹۸/۹/۱۲.

۷۵. روزنامه شرق، ۱۳۹۸/۹/۱۳.

عمل می‌کنند. شهروند عاصی در طبقات و لایه‌های مختلف اجتماعی حضور دارد. در جامعه ایران ظرفیت‌های متعددی برای اعتراض وجود دارد. ممکن است درجه یا نوع بیان خشم در همه لایه‌ها به یک شکل نباشد. ^{۷۶}	
آنچه اعتراضات آبان‌ماه را از رویدادهای پیشین متمایز کرد، نه گستردگی و پیش‌بینی‌ناپذیری آن بلکه شدت و تکثیر شکل اعتراض در شهرهای متفاوت بود. در دی‌ماه ۹۸ و آبان ۹۸، طبقه متوسط در عین حضور، جایگاه کانونی اعتراضی خود را از دست داده بود و طبقات متوسط پایین و گروه‌های اجتماعی بی‌جایگاه نقش پررنگی یافته بودند. با توجه به شکل و سرشت این اعتراضات، آن را در بستری از نابرابری‌ها و شکاف‌های عظیم طبقاتی، ناامیدی و فقدان چشم‌انداز مثبت از آینده و در نتیجه خشونت عربان باید درک کرد. ^{۷۷}	عباس کاظمی
فرودستان بی‌قرار با زبان بی‌زبانی، عمق و گستره بحران را با جامعه در میان می‌گذارند. مهم‌ترین بخش مشکل این است که این گروه بزرگ به رسمیت شناخته نمی‌شوند، لذا نه نمایندگی می‌شوند، و نه در چرخه‌های توزیع منابع و بازتوزیع منافع، سهمی عادلانه می‌گیرند. تخصیص بسته‌های حمایتی و اتخاذ دیگر اشکال سیاست‌های جبرانی در قالب شناخته‌شده تامین اجتماعی، پاسخگوی امواج فرودستان بی‌قرار نیست. ^{۷۸}	محمد مهدی مجاهدی

بازتاب اعتراضات آبان‌ماه در رسانه‌های خارج از کشور و فضای مجازی

اگر نه همه اما اغلب آن چیزی که تلویزیون‌های فارسی‌زبان خارج از کشور درباره اعتراضات آبان‌ماه مخابره کرده‌اند را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد: مصادره اعتراضات مردم در داخل کشور به نفع گروه‌های سیاسی خارج از کشور. در فضایی که رسانه‌های داخلی به روایت مجعول و مغرضانه اعتراضات می‌پرداختند یا در برابر واقعیت سکوت کرده و به دلیل محدودیت‌هایی که سال‌ها است به آن دچارند امکان مانور چندانی در بازنمایی فضای جامعه نداشتند، تلویزیون‌های فارسی‌زبان خارج از ایران به بازتاب گسترده وقایع پرداختند و مشخصاً ایران اینترنشنال و من‌وتو به طور گسترده تبلیغات ارتجاعی سلطنت‌طلبان را با عنوان تحلیل به خورد جامعه دادند. این دو شبکه تلویزیونی مدت‌ها است که در حال ارایه روایتی از گذشته‌ای جعلی هستند و در تصویری که ارایه می‌دهند هر چیزی و از جمله تاریخ را به ابتذال محض می‌کشند. اگرچه در میان آنچه تلویزیون‌های فارسی‌زبان منتشر کردند تحلیل‌های اقتصادی و اجتماعی هم دیده می‌شد اما در اغلب موارد چهره‌های سیاسی واپس‌گرا یا سلطنت‌طلب به عنوان تحلیل‌گر جا زده می‌شدند. تا جایی که به موضوع این گزارش مربوط است، می‌توان گفت که در غیاب اینترنت و تک‌صدایی در رسانه‌های داخلی در بازتاب اعتراضات مردم، بیشترین بهره را تلویزیون‌های فارسی‌زبانی بردند که در ذیل پوشش وقایع آبان‌ماه شعارهای کلیشه‌ای رضا پهلوی را با عنوان خبر فوری منتشر می‌کردند. این طنزی تاریخی است که جریانی که مدافع تحریم‌ها علیه ایران و در واقع آسیب‌زدن به معیشت مردم عادی است به تحلیل و دفاع از اعتراضاتی می‌پردازد که نقطه‌ثقل‌اش مسئله معیشت است. البته شباهت برخی روایت‌ها در رسانه‌های تندروی داخلی و تلویزیون‌های فارسی‌زبان نیز به همان میزان بازتابی از طنزی تاریخی است. تنها برای به دست دادن یک نمونه، می‌توان به صحبت‌های مضحک امیرحسین اعتمادی در بی‌بی‌سی فارسی اشاره کرد که از واشنگتن دی‌سی ادعای رهبری اعتراضات مردم توسط گروه‌های سلطنت‌طلب را داشت^{۷۹} و در مقابل نیز خبرگزاری فارسی به بازنشر صحبت‌های او پرداخت^{۸۰}.

۷۶. اندیشه‌پویا، آذر و دی ۱۳۹۸.

۷۷. همان.

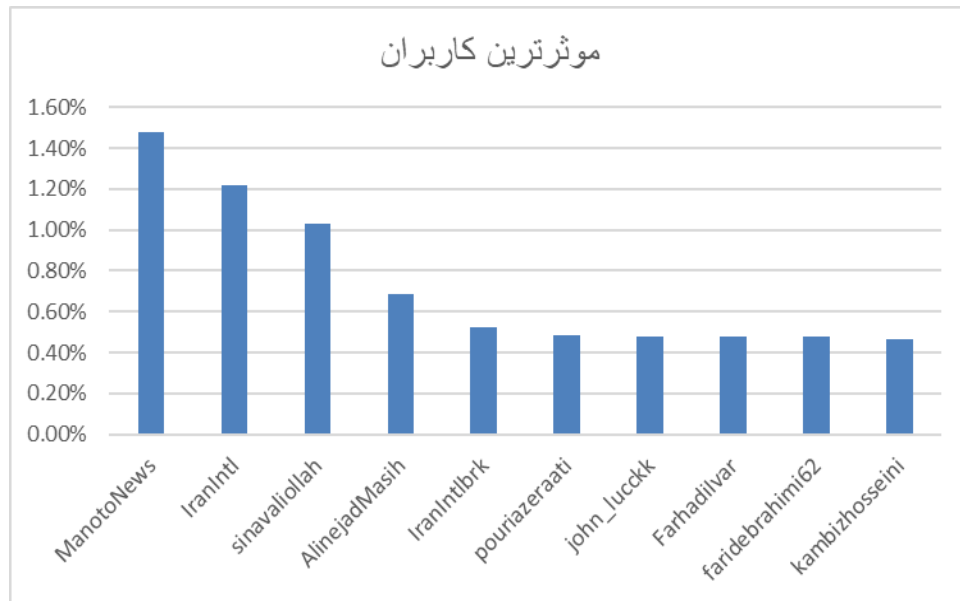
۷۸. همان.

۷۹. نک. <https://www.bbc.com/persian/iran-۵۰۴۶۲۴۵۸>

۸۰. نک. [/farsnews.com/media/۱۳۹۸۰۸۲۸۰۰۰۳۹۹](https://farsnews.com/media/۱۳۹۸۰۸۲۸۰۰۰۳۹۹)

بررسی شبکه‌های اجتماعی و مهم‌تر از همه توئیتر نیز حاوی نکات قابل تاملی است. در نمودار زیر موثرترین کاربران توئیتر درباره موضوع اعتراضات آبان‌ماه قابل مشاهده است که من‌وتو و ایران‌اینترنشنال در صدر نمودار دیده می‌شوند.

نمودار شماره ۴. موثرترین کاربران در اعتراضات آبان‌ماه



اما اگر به بررسی و تحلیل شبکه‌های اجتماعی با محوریت اعتراضات معیشتی بپردازیم، نتایج به دست‌آمده تفاوت چندانی با آنچه گفته شد ندارد. در ابتدا تصویری از ابر هشتگی در توئیتر ارایه می‌شود که نشان می‌دهد چه هشتگ‌هایی در ارتباط با هشتگ اعتراضات معیشتی توسط کاربران استفاده شده است.

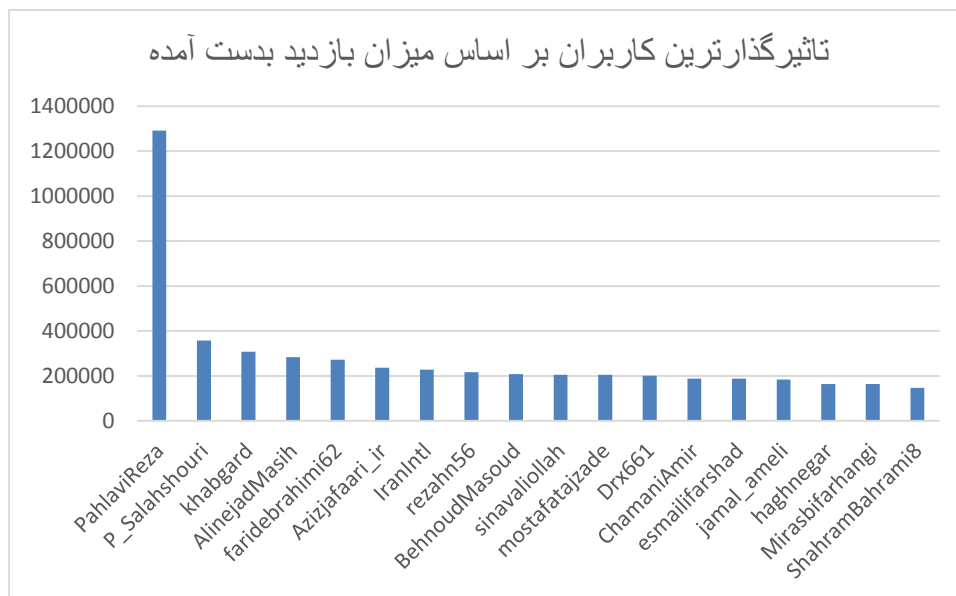
تصویر و جدول مربوط به ابرهشتگی با محوریت هشتگ معیشت

666	فقر
507	بنزین
362	IranProtests
307	ایران
284	اعتراضات_سراسری
216	معیشت
211	کارگر
196	دغدغه_مردم
195	توطئه_دشمن
175	بنزین_۳۰۰۰_تومانی



در یک ماه اخیر یعنی پس از اعلام گرانی بنزین و اعتراضات آبان‌ماه، تاثیرگذارترین توییت‌هایی که به اعتراضات معیشتی مربوط بوده‌اند یا به نوعی به اعتراضات معیشتی اشاره کرده‌اند در نمودار زیر قابل مشاهده است.

نمودار شماره ۵. تاثیرگذارترین کاربران در موضوع اعتراضات معیشتی



دو توییت رضا پهلوی که به نوعی به موضوع معیشت و اعتراضات معیشتی مربوط‌اند تاثیرگذارترین توییت‌های یک ماه اخیر در ارتباط با موضوع اعتراضات معیشتی به لحاظ میزان بازدید بوده‌اند.

توییت اول او که در تاریخ ۲۵ آبان‌ماه منتشر شده بود به این شرح است:

«نظامی که با وعده مجانی کردن آب و برق بر سر کار آمد، نفت را برای حامیان غیرایرانی‌اش، و فقر و رنج را برای ایرانیان رایگان کرده است. (...) کافیست به قدرت خودمان ایمان داشته باشیم.»

توییت دوم او نیز به تاریخ ۲۹ آبان با این متن منتشر شده بود:

«(...) بدان که ملت ایران در این سفر تاریخی همراهانش را می‌شناسد و به یاد می‌آورد. بدان که فریاد پهلوی در ایران، از کارگر و دهقان، پیر و جوان، نه از روی تعصب، که برای ایران، رفاه ایرانی و سربلندی نام میهن است؛ که پهلوی همواره یاور مردم خود بوده.»

سومین توییت تاثیرگذار توییت پروانه سلحشوری بوده که عبارت است از:

«مردم صدای اعتراضشان را رساندند اما با گلوله و بازداشت، جواب کوچک و بزرگ را دادند. عده‌ای تخریب‌گر در کنار مردمی که فقط به وضع معیشت خویش معترض بودند، قرار داده شدند. قلع و قمع مردم، با جنگ جهانی و کربلای ۴ مقایسه شد. به نام دین، دستور ذبح و شکنجه مردم در سیمای غیرملی صادر شد.»

نتیجه‌گیری

داریو فو، نویسنده مشهور ایتالیایی قرن بیستم و برنده نوبل ادبیات، در یکی از نمایشنامه‌هایش با عنوان *حساب پرداخته نمیشه*^{۸۱} (۱۹۷۵)، تصویری از یک موقعیت اجتماعی ساده اما قابل تأمل به دست می‌دهد. در روایت این اثر، مدتی است که موجی از گرانی کالاها شروع شده و مردم هربار مجبورند با هزینه بیشتری کالاهای مورد نیازشان را خریداری کنند. اما آنچه ماجرای اصلی نمایش را می‌سازد، تصمیمی است که یک روز ناگهانی گرفته می‌شود. گرانی یکباره شیر موجب تحریک مردمی که به خرید روزانه رفته‌اند می‌شود و آنها می‌خواهند شیر را به قیمت دیروز بخرند اما مدیر فروشگاه زیر بار نمی‌رود. در مقابل، زنانی که به خرید رفته‌اند بطری‌های شیر را زیر لباس‌هایشان پنهان می‌کنند و بی‌آنکه هزینه‌ای پرداخت کنند با شیرهای پنهان شده از فروشگاه خارج می‌شوند. تصویر طنزآمیزی که داریو فو از این اتفاق به دست داده روایتی است از واقعیتی تلخ. زنانی که صبح مثل همیشه به فروشگاه رفته‌اند تا خرید کنند، کاملاً عادی بوده‌اند اما هنگام خروج از فروشگاه‌ها انگار که باردار شده‌اند و با شکم‌های برآمده از فروشگاه خارج می‌شوند. داریو فو کاملاً آگاهانه زنان خانه‌دار را در این موقعیت قرار داده است. آنها نه تصمیمی از قبل گرفته‌اند و نه حتی کارشان هماهنگ شده بوده بلکه هریک جداگانه تصمیم گرفته‌اند تا دیگر هزینه اضافی پرداخت نکنند و گرانی‌های هر روزه را نپذیرند. زنان نمایشنامه داریو فو، دزد یا اغتشاش‌گر نیستند بلکه مردم عادی با به عبارت بهتر زنان خانه‌داری هستند که همراه با بچه‌هایشان به خرید رفته‌اند. آنها فقط در یک نقطه در برابر شرایط اقتصادی جامعه‌شان می‌ایستند و نمی‌خواهند پول بیشتری بپردازند. اگرچه موقعیتی که داریو فو روایت کرده زاینده تخیل اوست اما تخیل او دقیقاً برآمده از تضادها و تناقض‌های اجتماعی زمانه‌اش بوده است. اگرچه تصویر زنانی با شکم‌های برجسته در این نمایشنامه طنزآمیز و خیالی است اما به نظر می‌رسد که آنچه داریو فو در نمایشنامه‌اش به تصویر کشیده به اشکال مختلفی امکان بروز دارد. او با استفاده از تمثیل زنان باردار بیش از هر چیز قصد همدلی با مردمی داشته که در اعتراض به وضعیت اقتصادی جامعه‌شان دست به عمل می‌زنند.

در اعتراضات آبان‌ماه ۹۸ برای اولین بار در چهار دهه اخیر اتفاقاتی مثل آتش زدن بانک‌ها و غارت فروشگاه‌های بزرگ در بعدی **گسترده** رخ داد و اگرچه این اتفاق در ابتدا مسئله‌ای امنیتی به شمار می‌رود، اما از منظری دیگر می‌توان آن را مسئله‌ای اجتماعی

۸۱. داریو فو، *حساب پرداخته نمیشه*، ترجمه جاهد جهانسانی، تهران: ۱۳۸۴، دیگر

دانست که راه حل اصلی اش را هم باید در سیاستگذاری های اجتماعی و اقتصادی یافت. چرا که در مجموع افزایش بیکاری و فقر باعث افزایش سرقت و کاهش نابرابری آموزشی در جامعه منجر به کاهش سرقت می شود^{۸۲}. مرور آمار و یافته های پژوهش های پیشین نشان می دهد که در طول یک دهه اخیر نرخ جرایم مختلف همواره رو به افزایش بوده است و این روند از الگوی بزرگ تری تبعیت می کند. به این معنی که پس از جنگ با افزایش ناگهانی و بروز انفجاری در نرخ جرایم و آسیب های اجتماعی روبه رو بوده ایم که به دغدغه بسیاری از نهادهای سیاست گذار و جامعه شناسان بدل شده است^{۸۳}.

در یکی از مطالعاتی که اخیرا درباره نسبت نابرابری های اقتصادی اجتماعی و جرم در ایران منتشر شده، آمده که:

«افزایش شکاف های طبقاتی، کاهش قدرت خرید اقشار کم درآمد، بیکاری فزاینده و تورم افسارگسیخته، ناتوانی طبقات پایین دست در دستیابی به امکانات و منابع حداقلی به پی آمدهای منفی اجتماعی و فرهنگی منجر شده است. این وضعیت سرمایه اجتماعی را کاهش می دهد، مردم را نسبت به هم بی اعتماد می کند، تضاد بین ثروتمندان و فقرا را افزایش می دهد، و میزان وفاداری به هنجارهای اجتماعی را کاهش می دهد. این عوامل به دنبال خود خشونت، بیگانگی، دل آزرده گی و انزوای اجتماعی به بار می آورند که تبعات وخیمی خواهند داشت. در این وضعیت آسیب ها و جرایم بیش تر می شود^{۸۴}».

کمال اطهری اعتراضات آبان ماه ۹۸ خروج از تله فضایی فقر می داند و با ارجاع به فیلمی از آلفرد هیچکاک آتش زدن بانک ها یا غارت فروشگاه ها را این طور تفسیر می کند:

«اینجاست که یاد فیلم پرندگان هیچکاک می افتم که پرندگان سیاه و سفید بالاخره بیرون می ریزند و به یک دنیای رنگی حمله می کنند. طبق آمارها، در سکونتگاه های غیررسمی فقط ۹ درصد افراد به نوعی با بانک ها ارتباط دارند. این خیلی مهم است. پس بانک امری است برای دنیای رنگی کسانی که این افراد را به تله سیاه و سفید هل داده اند. این روان شناسی بهتری است که نیروهای انتظامی متوجه باشند برای افراد حاشیه نشین، بانک مظهر کنار گذاشتگی شان است. به هر صورت واکنش به پمپ بنزین ها، واکنش کور کسانی است که مثل تاس لغزنده در تله فضایی پایین می رود و به هر چیز بتواند چنگ می زند که نفرتش را نشان دهد. شما شیر گاز را که باز کنید، جرقه می زند و ممکن است عمدی باشد یا سهوی. مسئولان در مقابل این تله فضایی که هر سال تنگ تر کرده اند، مسئول هستند و واکنش این افراد واکنش کسانی است که به هر چیزی چنگ می اندازند تا پایین تر نروند، حتی اگر غارت یک مغازه در ازای دو روز سیربودن باشد^{۸۵}».

اگرچه خبر غارت فروشگاه های بزرگ در آبان ماه توجه زیادی را جلب کرد اما واقعیت این است که این اتفاق پیش تر و در ابعاد کوچک تر هم در جریان بوده است. بنابر گزارش های مختلفی که در این سال ها منتشر شده، مقامات انتظامی اعلام کرده اند که آمار سرقت های کلان رو به کاهش بوده اما در مقابل میزان سرقت های خرد روندی افزایشی داشته است. در یکی از گزارش هایی که درباره

۸۲. حسین راغفر و زهرا شکر، «مطالعه اثر عوامل اقتصادی بر آسیب های اجتماعی»، در همبستگی اجتماعی و نابرابری، تهران: آگاه، ۱۳۹۷.

۸۳. سعید مدنی، مقدمه گزارش وضعیت اجتماعی ایران ۱۳۸۰-۱۳۸۸، تهران: ۱۳۹۰، موسسه رحمان.

۸۴. سیدحسن سراج زاده و احمد جعفری، «نابرابری های اقتصادی-اجتماعی و جرم در جامعه ایران (۱۳۸۸-۱۳۹۶)»، در آسیب های اجتماعی و نابرابری، تهران: آگاه، ۱۳۹۷.

۸۵. کمال اطهری، روزنامه شرق، ۱۳۹۸/۹/۱۲.

سرقت از فروشگاه‌ها منتشر شده به نقل از نگهبان یکی از فروشگاه‌های زنجیره‌ای آمده که: «فراوان سرقت می‌کنند؛ روغن مایع، بسته‌های حبوبات، روسری، ریش تراش و حتی اسباب‌بازی بچه‌ها... من خودم پیرمردی را دیدم که یک ریش تراش دزدیده بود و وقتی می‌خواست از در بیرون برود، بچه‌ها جلوییش را گرفتند... بعضی از سارقان زن و شوهر هستند و خانوادگی به فروشگاه می‌آیند تا کسی به آنها شک نکند»^{۸۶}.

با قرار دادن این مسئله در کنار آنچه فرشاد مومنی «مدارای نجیبانه فقرا با فقر» نامیده، می‌توان گفت که سال‌ها است معیشت بخش‌هایی از جامعه با مخاطره جدی روبرو است و به بیان مومنی «کارد به استخوان» رسیده است. فرشاد مومنی در سال ۹۶ و در نقد مسعود نیلی که معتقد بود افزایش فروش خودرو در سال ۹۴ نسبت به سال ۹۳ به معنای کم‌رنگ شدن مسئله فقر است، گفته بود:

«بر اساس گزارش‌هایی که مرکز آمار ایران از تحولات مقداری مصرف خوراکی‌های اساسی خانوارها منتشر کرده است، به طرز فاجعه آمیزی اکنون در شرایطی قرار داریم که خانوارهای شهری در ایران، صرفه‌جویی‌هایشان به صرفه‌جویی در مصرف مواد پروتئینی، لبنی و حتی برخی موارد نشاسته‌ای رسیده است که از منظر اقتصاد سیاسی، این صرفه‌جویی مردم را مدارای نجیبانه مردم با فقر تعبیر می‌کنم»^{۸۷}.

بر این اساس می‌توان گفت که بخش‌هایی قابل توجه از جامعه مدت‌ها است که با فقر و تبعیض مدارا کرده‌اند اما این مدارا همیشگی نبوده و دست کم در دو مورد گسترده به اعتراضاتی قهری بدل شده است. فاصله میان دستمزدها و سبد معیشتی خانوار که در بحران اقتصادی اخیر گسترده‌تر از قبل شده و نیز کالایی شدن روزافزون حوزه‌های آموزش و سلامت از جمله مواردی است که کارشناسان در چند سال اخیر بارها نسبت به تبعات آن هشدار داده بودند. از این رو با جمع‌بندی تحلیل‌های ارائه شده و روند اعتراضات معیشتی در سال‌های اخیر می‌توان گفت که:

- اعتراضات آبان‌ماه ۱۳۹۸ را می‌توان خیزش طبقات فقیر و حاشیه‌نشینان شهری دانست و تحلیل‌های مختلف بر سر این نکته اجماع دارند که این اعتراضات صدای فرودستان و حاشیه‌نشینان به خشم آمده است که وضعیت معیشت‌شان از مرزهای بحرانی عبور کرده است.
- مسایل معیشتی و اقتصادی به‌طور عام مهم‌ترین دغدغه جامعه امروز ایران است. بر اساس نظرسنجی ملی ایسپا پس از دی ۹۶، حدود ۸۰ درصد از مشارکت‌کنندگان در نظرسنجی مسایل اقتصادی را مهم‌ترین دلیل نارضایتی از شرایط فعلی اعلام کرده‌اند^{۸۸}.
- گروه‌های فرودست به سوژه‌های اصلی اعتراضات در ایران در یک دهه اخیر بدل شده‌اند و از این حیث اعتراضات تفاوت‌های مهمی با اعتراض‌هایی نظیر انتخابات سال ۸۸ یا ۱۸ تیر ۷۸ دارند، یعنی اعتراضاتی که بخش‌هایی از طبقه متوسط سوژه‌های اصلی آن را تشکیل می‌دادند.
- شکل اعتراض گروه‌های فرودست از فرم مقاومت آرام روزمره به اعتراضات گسترده و قهری بدل شده است.

۸۶. فرارو، «سرقت خرد از ریش تراش تا راسته گوساله»، ۱۳۹۴/۳/۴.

۸۷. انصاف‌نیوز، ۱۳۹۶/۸/۶.

۸۸. نک. مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا)، دی‌ماه ۱۳۹۶.

- افزایش خشونت یا به تعبیری اعتراضات قهری نسبت مستقیمی با افزایش فقر و بیکاری و نابرابری دارد.

پیشنهاد سیاستی

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی، «نیروی پیشران» اعتراضات دی‌ماه ۹۶ را «وضعیت اقتصادی» کشور دانسته بود^{۸۹}. با توجه به گستردگی بی‌سابقه اعتراضات دی‌ماه ۹۶ و آبان‌ماه ۹۸ و نیز با بررسی کانون‌های اعتراضی می‌توان گفت که میزان فراگیری اعتراضات در نقاط محروم‌تر یعنی در جاهایی که رشد تولید ناخالص داخلی در آن مناطق پایین‌تر است بیشتر بوده است. همچنین نرخ بیکاری جوانان در این مناطق نیز قابل توجه است. سعید مدنی در تحلیل اعتراضات آبان‌ماه ۹۸ به ما می‌گوید که این اعتراضات هم معیشتی بوده است و هم جنبش جوانان بوده است؛ جوانانی که به طور کلی از وضعیت جامعه ناراضی است و دلایل متعددی برای اعتراض دارد. همچنین به نظر می‌رسد که ارتباطی میان شدت اعتراضات و نقاطی که به طور جدی در معرض آسیب‌های زیست‌محیطی هستند نیز وجود دارد. بر این اساس به نظر می‌رسد با تشدید این عوامل احتمال بروز اعتراض‌هایی در آینده حول مسایل معیشتی همچنان وجود دارد. از این‌رو ضروری است تا در شرایطی که اعتراضات گسترده خیابانی خاموش شده به بازنگری اساسی در روندهای اقتصادی فقرزا توجه کرد و با پذیرش اعتراضات معیشتی مردم و درک ضرورت سیاستگذاری اجتماعی در پی کاهش نابرابری و بهبود وضعیت رفاهی گروه‌های فرودست از یک‌سو و از سوی دیگر کاهش فقر و بیکاری بود. بر اساس جمع‌بندی تحلیل‌ها و گزارش‌های ارایه شده می‌توان گفت که:

- در زمینه اشتغال‌زایی و سیاست‌های بازار کار هیچ راه میانبری برای کاهش فوری بیکاری و ایجاد اشتغال گسترده وجود ندارد. این تصمیم با توجه به مجموعه بزرگ‌تری از متغیرهای اقتصادی در سطح خرد و کلان و قواعد و قوانین حاکم بر بازار کار اتخاذ می‌شود. زیرا تعادل بازار کار برآیند عملکرد سایر بازارها و بخش‌های یک اقتصاد است. بنابراین لازم است برای بهبود پایدار شرایط بازار کار، اصلاحات اقتصادی در بازارها و بخش‌های مختلف اقتصاد در کنار سیاست‌های ویژه بازار کار و سیاست‌های حمایتی در قالب یک مجموعه به هم پیوسته مدنظر قرار گیرد (مرکز پژوهش‌های مجلس).
- برای مقابله با تورم باید هرچه بیشتر بخش بزرگی از مایحتاج و نیازهای ضروری را از حوزه بازار و حوزه کالاشدگی جدا کرد. فقیرتر شدن مردم در سه دهه اخیر تنها ناشی از عدم هماهنگی نرخ دستمزد با نرخ تورم نبوده است، بلکه بخش زیادی از سبد معیشتی که پیش‌تر به صورت رایگان در دسترس بود، به تدریج پولی شده است. بنابراین برای مقابله با فقر و نابرابری گسترده بخش زیادی از نیازهای مردم را که در شرایط کنونی پولی است، باید رایگان کرد، یا ارزان‌تر در اختیار مردم قرار داد. اگر سیستم تأمین اجتماعی و سیستم واقعی و کارآمد وجود داشته باشد، در بهبود وضعیت زیست طبقات فقیر و متوسط جامعه می‌تواند کمک کند (پرویز صداقت در گفتگو با ما).
- پرهیز از سیاست‌های ناگهانی و ایجاد تنش در زندگی مردم. وضعیت اقتصادی ایران در سال ۹۷ در پی بحران ارزی و اعلام ناگهانی گران شدن بنزین زندگی مردم عادی را بیش از پیش با تنش و بحران مواجه کرده است.

۸۹. مرکز پژوهش‌های مجلس، «بررسی تحولات مهم بازار کار ایران در دوره پاییز سال ۱۳۹۳ تا زمستان سال ۱۳۹۶»، شهریور ۱۳۹۷.

به اعتقاد محسن گودرزی در تحلیل وقایع آبان ۹۸ که در این گزارش به آن اشاره شد، «سیاست‌های ناپایدار، ناکارآمد، پیش‌بینی‌ناپذیر و ناگهانی» مهم‌ترین ویژگی سیاست‌گذاری‌های عام در سال‌های اخیر بوده است. به نظر می‌رسد که در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی نیز این ویژگی‌ها دیده می‌شود و برای مثال می‌توان به طرح بسته‌های معیشتی که سال گذشته صورت گرفت و به سرانجام مشخصی نرسید اشاره کرد. این طرح امسال و بعد از گرانی بنزین به صورتی دیگر مطرح و اجرا شد و هنوز ابهامات زیادی درباره شیوه اجرای آن وجود دارد.